

مجاهد

نقد و بررسی آثار علمی و ادبی
 نشریه ماهیانه بنیاد فرهنگ ایران
 ارگان نهضت آزادی ایران (خارج از کشور)

بمناسبت شانزدهمین سالگرد تأسیس نهضت آزادی ایران:

نهضت آزادی ایران چه می خواهد

مقدمه:
 ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۶، ۱۶ سال است که از تأسیس نهضت آزادی ایران میگذرد. این مدت را میتوان به دوره تقسیم نمود:

الف - دوران مبارزات علمی، که ادامه مبارزات مخفی در نهضت مقاومت ملی است و منجر به تأسیس نهضت آزادی ایران میگردد. در این دوران بود که نهضت توانست بکمک بقیه نیروهای اصیل و مسلمان در متذکر کردن مردم که منجر به قیام حاصله اقربن ۱۵ خرداد شد نقش مهمی داشته باشد.

ب - دوران شکل سازمانهای سیاسی - نظامی: رژیم محمد رضا در پیرامون و حشمتان، سران نهضت رادستگرو به خیال خام خود نهضت ملی ایران را متلاشی نمود و پنداشت که مردم را محکوم به سازش با دیکتاتور داخلی و استعمار خارجی کرده است. در این دوره با اینکه دشمن با پنداری واهی، ست و سرخوش از قلع و قمع مخالفین خود بود، نطفه ایجاد سازمانهای سیاسی - نظامی منجمله جما و حزب ظل اسلام و سپس سازمان پر افتخار مجاهدین خلق ایران بوسیله فرزندان خلق نهضت آزادی ایران بسته شد. و جهاد صلحانه بعنوان استراتژی عمده مبارزات انقلابی انتخاب و شوکت گردید. و این دورانی است که جنبش در ابعاد سه گانه خود (مبارزات ایدئولوژیک، مبارزات سیاسی - جهاد صلحانه) تکامل یافته است.

ج - دوران خیانت و انحراف: دشمن خلق مسلمان ما که از رشد و وسع و هوش جا به جا جنبش صلحانه سخت بهمناک بود این بار با طرح دقیق و حساب شده جدیدی با آن بمقابله برخاست. و آن پهادی کردن طرخی بود که بدست منافقین زیر پوش مارکسیسم اجرا شد. سپس از کودتای ناخواسته نادرانه ناصر مشکوک و منافق و متلاشی شدن کادر رهبری سازمان مجاهدین خلق ایران، نهضت آزادی ایران همراه با سایر نیروهای اسلامی مجاهدت خود را از یکطرف صرف مبارزه با رژیم منحوس شاه و از طرف دیگر صرف اشغال خیانت و انحراف این عناصر مشکوک نمود. همزمان با وقایع سالهای ۴۲-۴۰ و نیز از آن پس تا کنون، برادران متعهد و مسلمان و تربیت یافتگان جنبش اصیل اسلامی بصورت متغلف و در مرحله ای بنام "نهضت آزادی ایران - خارج از کشور" بانجام وظائف خود همت

گماشته و بی امان اقدام بانفشاری رژیم جلا کرده و در رساندن صدای امیران بدنیای خارج و تحت فشار قرار دادن رژیم منحوس پهلوی بنظر تقلیل شکنجه و آزار برزندان نشان نفی مهمی بازی کرده اند.

و اکنون بخاطر واقعی که در ایران در شرف تکوین است لازم میدانیم که با تحلیلی از گذشته نهضت و مواضع فاطمی که در طی مبارزات خویش از بعد از ۲۸ مرداد ۳۲ تا کنون گرفته، راهی برای آینده کشوده و اساسی ترسین هدفهای سیاسی را که در این مرحله باید طرح نمود عنوان نمائیم.

بررسی مختصری از گذشته:

از آغاز ظهور انقلاب صلحانه یعنی از سال ۱۳۴۴ به بعد و صعود سازمان هائی نظیر جما و اتحاد ظل اسلام و سپس سازمان مجاهدین خلق ایران که سازمانی با اهداف انقلابی و برترانه های صلحانه و بر مبنای ایدئولوژی اسلامی، تمام امیدها و آرزوهای ملت مسلمان ما را بخود معطوف داشته بود. و به همین جهت هم پشتیبانی و کمکهای بسیار از تمام اقشار و طبقات نثار سازمان انقلابی اسلامی بهشتاز میشد. اینکه طتی تمام ایدئالهای خود و نجات خورشید را در وجود یک سازمان شمع بر سینه و با و دل بند، از نظر انقلابی ایدال است. اما در همین حال میتوان گفت که هم - باشد. زیرا آن سازمان که فقط بخشی از کل جنبش است و نمیشکند و میباید زنده و متحرک و متحرک جنبش در مضطربانی خام مشاهده گر شکست بخورد، پاس و سر خوردگی شدیدی که محمود میباید جنبش رهایی بخشش ملت را برای مدتی به تصویب خواهد انداخت.

متأسفانه چنین پیش آمدی برای ملت ما و سازمان انقلابی بهشتاز آن اتفاق افتاد. این پیش آمد در جنبش انقلابی ایران بطور عام و جنبش انقلابی اسلامی بطور خاص تأثیرات کثرت مدت و دراز مدت داشته و دارد. همه ما ناظر و شاهد تأثیرات کوتاه مدت این خیانت و انحراف در کل جنبش بوده و هستیم و برخی از تأثیرات دراز مدت آن نیز از هم پکنون محسوس و ملموس میباشد. شدت تأثیرات این خیانت در جنبش داخل ایران و خارج از کشور یکسان نبوده است. در داخل ایران بعد از اعلام تأسیس سازمان مجاهدین خلق، نیروها بقیه در صفحه دو

ترو ریسیم شاهانه

توضیح و صحیح

هیات تحریریه محترم بهام مجاهد:

در مقاله ترو ریسیم شاهانه بهام مجاهد شماره ۴۵، آنچه که مربوط بانحباب بود نیاز به توضیحی مختصر و توضیحی بیشتر دارد که در ذیل بنظر شما میرسد:

صدی ترو ریحانب آقای "خان بهرا" مرا در اوایل زوین ۷۶ مطابق با اواسط خرداد ۵۵ از نقشه حنا بنگارانه ساواک مطلع نمود. او همراه با این اطلاع پیشنهاد نمود که صحنه ای صحنی از یک سو قصد ترتیب داده شود و اینحباب دوسه روز غایب شوم. در این هنگام او پولی را که ساواک تمهین کرده بود، یعنی دویست هزار دلار را در بافت داشته، نیمی از آنرا بمن برای فعالیت های سیاسی داده و نیمی دیگر را خود گرفته، بگوشه ای از جهان بگریزد. در آن هنگام نفس همین پیشنهاد مورد شک و تردید قرار گرفت. زیرا بوسیله رژیم ایران میتوانست مخالفان را صحنه ساز و حقه باز و دروغ گو معرفی نماید و به حیثیت آنان در جهان لطمه وارد آورد. بنابراین در جواب باین پیشنهاد در سفر وکیل خود و خیر نگار روزنامه لوسوئند آقای ژان کلود گیمپ (۱) اکتتم که بدلیل فوق و هم باین جهت که حاضر نمیتیم بیول کس ساواک ایران که برای کشتن خود منهد داده شده باشد دست بزنم در چنین بازی صحنه سازی شرکت نخرام کرد. در همین رابطه با آقای خان بهرا پیشنهاد کردم که قضا را بکنی فراموش کرده و ابدا راح بآن با کسی صحبت نکنی زیرا که خان خود او نیز اصلا در خطر خواهد بود. مسله از لحاظ اینحباب همانجا ختم شد و در باره آن با هیچ کس صحبتی نرفت.

آقای خان بهرا پس از شنیدن جواب رد از طرف اینحباب همانطور که خود بعدا گفته، در اواسط ماه زوین - درین اطلاع من به پلیس خارجی فرانسه (DST) مراجعه کرد و پیشنهاد نمود که با اطلاع آنها بکار دیگر مأمور ساواک "میرزوی" را به بهانه ای بفرانسه بخوانند و ترتیب فراهم آورد که میرزوی دست به پلیس بزند که روشن شود در این کار شرکت دارد و لذا پلیس فرانسه بخواستند او را دستگیر نماید. او همچنین به پلیس پیشنهاد کرده بود که ایلحه را هم در اختیار بگیرد و در مقابل همه اینها با و پناه اندگی سیاسی بدهد. بنا بگفته خان بهرا، پلیس فرانسه در برخورد اول مخالفتی با این پیشنهاد نمیکند ولی پس از دو ماه بتصویب انداختن قضیه، بدحسب نخست وزیر وقت "شیراک" به آقای خان بهرا اطلاع میدهند که: "دولت فرانسه مایل نیست هیچگونه اشکالی در روابط خود با ایران ایجاد نماید". و بدینوسیله آقای خان بهرا باسد خدا رهها میشود.

حالب آنکه ایلحه شاهانه هنوز است در دست این شخراست. او در پاریس بسر میرد و کسی پیداننده که این سلاحها را از او دریافت دارد، زیرا که در بافت این سلاحها ایجاد مسئولیت برای گیرنده میکند و در اینصورت همان پلیس است که مجبور به تحقیق راجع بموضوع میشود.

حال مشخص است که وقتی صالح و منافق دولتی در صیان است، دیگر بستی از "ترو ریسیم" نیست و حتی ایلحه "ترو ریسیم" را هم نباید گرفت!! اینست صحنی واقعی "سازره با ترو ریسیم" در اصطلاح دولت های فعلی جهان! آقای خان بهرا پس از آنکه از پلیس فرانسه مایوس شد پس از مراجعت اینحباب از سفر آمریکا در اواخر ماه نوامبر ۷۶ مدتی بمن مراجعه کرد و داستان خود را با پلیس فرانسه باز گفت. در جواب با پشان گفتم که حال که پلیس فرانسه مطلع است، با احتمال زیاد ساواک نیز از حرمان اطلاع دارد و بنابراین خان خود او نیز در خطر است. لذا بهتر است واقعه را آنچه آن که هست در معرض افکار عمومی بگذارند و برای این منظور جمله "تولی آبرواتر" (۲)

آتش بس در فلیپین

۳- مناطق استقلال یافته دارای قوانین مدنی، حقوقی اقتصادی و سیاست خارجی مستقل بوده که آنها را در ۱۴ بند عنوان مینماید.

۴- به مجرد احضار قرار داد شرایط فوق الذکر باید به مورد اجرا گذارده شود.

کشور فلیپین از مجموع ۷۱۰۰ جزیره تشکیل شده است که حاصلخیزترین جزایر آن در بخش جنوبی که موسما سلمان نشین میباشند قرار دارد. معادن آهن و ذخایر نفتی و زمین های حاصلخیز با باغهای میوه میوه در این نواحی شترگزند. منابع سرشار این نواحی سالها مورد نظر کمپانیهای خارجی و دریل استعمارگر بوده است. دولت مارکوس که با نغز و حمایت مستقیم آمریکا بر سر کار آمد

جنگ مسلمانان فلیپین با دولت مارکوس که بیش از پنج سال طول کشیده و به نابودی بیش از ۵۰۰۰ مسلمان و آوارگی چند هزار نفر انجامید، ظاهر با توافق طرفین باسای ن یافت و گویا بهمان آتش بس به اضا رسد. مذاکرات صلح در ماه مارچ در شهر ترتیبی با دخالت مستقیم معرقتانی انجام پذیرفت، در قطعنامه آتش بس چهار اصل به شرح زیر قید شده است:

۱- استقلال مناطق جنوبی فلیپین و شناسائی تمامیت ارضی آن توسط جمهوری فلیپین.

۲- سرزمین های استقلال یافته شامل این مناطق میشود: باسیلان، سلو، تاوی تاوی، زامبانگالی جنوبی و شمالی، شمال کوتاباتو، پالوان، و گلبه شهرها و روستاهای این مناطق.

فهرست مطالب

به مناسبت شانزدهمین سالگرد تأسیس نهضت آزادی ایران: نهضت آزادی ایران چه می‌خواهد؟	۳
آتس بس در فیلیپین	۱۶
نامه وارده	۱۹
تروریسم شاهانه توضیح و تصحیح	۲۱
نشریه شماره ۵۱ نهضت آزادی	۲۷
اعلامیه‌ای از ایران	۲۷
تو مجاهد	۳۰
اخبار	۳۲
نامه‌ای از زندان	۴۰
عوارض ناشی از بی‌بندوباری تکنولوژی	۴۱

باید مردانی که محیط آلوده و زبونشان نساخته و غیرت و احساس مسئولیت در آنان نمرده دور هم گرد آیند. راه صحیح و اصیل مبارزه بر علیه فساد و مفسدین جامعه ایرانی را مشخص نمایند. با متانت و مال‌اندیشی با خلوص قلب و نیت برای رضای خدا و مردم قدمهای قطعی‌تر و محکمتری بردارند تا راه آزادی و آزادمنشی را برای ملت ایران بگشایند. بحمدالله جمعی که طی سالهای سخت ثبات قدم و پاکی نیت خود را ابراز داشته در برابر تهدید و محرومیت و زجر و زندان خود را نباخته و در تعقیب هدفهای ملی برای نجات مملکت کوشیده‌اند و در این هنگام خطیر به تشکیل (نهضت آزادی ایران) قیام و اقدام نموده‌اند.

«از بیانیه حضرت آیت‌الله طالقانی به مناسبت تأسیس نهضت»

به مناسبت شانزدهمین سالگرد تأسیس نهضت آزادی ایران: نهضت آزادی ایران چه می‌خواهد؟

مقدمه:

۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۶، ۱۶ سال است که از تأسیس نهضت آزادی ایران می‌گذرد. این مدت را می‌توان به سه دوره تقسیم نمود:

الف - دوران مبارزات علنی، که ادامه مبارزات مخفی در نهضت مقاومت ملی است و منجر به تأسیس نهضت آزادی ایران می‌گردد. در این دوران بود که نهضت توانست به کمک بقیه نیروهای اصیل و مسلمان در متشکل کردن مردم که منجر به قیام حماسه آفرینان ۱۵ خرداد شد نقش مهمی داشته باشد.

ب - دوران تشکل سازمانهای سیاسی - نظامی: رژیم محمدرضا در یورش وحشیانه، سران نهضت را دستگیر و به خیال خام خود نهضت ملی ایران را متلاشی نمود و پنداشت که مردم را محکوم به سازش با دیکتاتور داخلی و استعمار خارجی کرده است. در این دوره با اینکه دشمن با پنداری واهی، مست و سرخوش از قلع و قمع مخالفین خود بود، نطفه ایجاد سازمانهای سیاسی - نظامی منجمله جاما و حزب ملل اسلام و سپس سازمان پرافتخار مجاهدین خلق ایران به وسیله فرزندان خلف نهضت آزادی ایران بسته شد. و این جهاد مسلحانه به عنوان استراتژی عمده مبارزات انقلابی انتخاب و شکوفا گردید. و این دورانی است که جنبش در ابعاد سه گانه خود (مبارزات ایدئولوژیک مبارزات سیاسی -

جهاد مسلحانه) تکامل یافته است.

ج - دوران خیانت و انحراف: دشمن خلق مسلمان ما که از رشد وسیع و همه‌جانبه جنبش مسلحانه سخت بیمناک بود این بار با طرح دقیق و حساب شده جدیدی با آن به مقابله برخاست. و آن پیاده کردن طرحی بود که به دست منافقین زیر پوشش مارکسیسم اجرا شد. پس از کودتای ناجوانمردانه عناصر مشکوک و منافق و متلاشی شدن کادر رهبری سازمان مجاهدین خلق ایران، نهضت آزادی ایران همراه با سایر نیروهای اسلامی مجاهدت خود را از یک طرف صرف مبارزه با رژیم منحوس شاه و از طرف دیگر صرف افشای خیانت و انحراف این عناصر مشکوک نمود.

همزمان با وقایع سالهای ۴۲-۴۰ و نیز از آن پس تاکنون، برادران متعهد و مسلمان و تربیت‌یافتگان جنبش اصیل اسلامی به صور مختلف و در مرحله‌ای به نام «نهضت آزادی ایران - خارج از کشور» به انجام وظایف خود همت گماشته و بی‌امان اقدام به افشاگری رژیم جلاد کرده و در رساندن صدای اسیران به دنیای خارج و تحت فشار قرار دادن رژیم منحوس پهلوی به منظور تقلیل شکنجه و آزار بر زندانیان نقش مهمی بازی کرده‌اند.

و اکنون به خاطر وقایعی که در ایران در شرف تکوین است لازم می‌دانیم که با تحلیلی از گذشته نهضت و مواضع قاطعی که در طی مبارزات خویش از بعد از ۲۸ مرداد ۳۲ تاکنون گرفته، راهی برای آینده گشوده و اساسی‌ترین هدفهای سیاسی را که در این مرحله باید طرح نمود عنوان نماییم.

بررسی مختصری از گذشته:

از آغاز ظهور انقلاب مسلحانه یعنی از سال ۱۳۴۴ به بعد «وجود سازمانهایی نظیر جاما و اتحاد ملل اسلام و سپس سازمان مجاهدین خلق ایران که سازمانی با اهداف انقلابی و برنامه‌های مسلحانه و بر مبنای ایدئولوژی اسلامی، تمام امیدها و آرزوهای ملت مسلمان را به خود معطوف داشته بود. و به همین جهت هم پشتیبانی و کمکهای بیدریغ از تمام اقشار و طبقات نثار سازمان انقلابی اسلامی پیشتاز می‌شد.

اینکه ملتی تمام ایدآلهای خود و نجات خویش را در وجود یک سازمان مشخص ببیند و به او دل بندد، از نظر انقلابی ایده‌آل است. اما در عین حال می‌تواند خطرناک هم باشد. زیرا آن سازمان که فقط بخشی از کل جنبش است و منعکس کننده موجودیت و زنده بودن و تحرک جنبش در مقطع زمانی خاص می‌باشد. اگر شکست بخورد، یأس و سرخوردگی شدیدی که بوجود می‌آید جنبش‌رهای بخش ملت را برای مدتی به تعویق خواهد انداخت.

متأسفانه چنین پیش‌آمدی برای ملت ما و سازمان انقلابی پیشتاز آن اتفاق افتاد. این

پیش آمد در جنبش انقلابی ایران به طور عام و جنبش انقلابی اسلامی به طور خاص تأثیرات کوتاه مدت و درازمدت داشته و دارد. همه ما ناظر و شاهد تأثیرات کوتاه مدت این خیانت و انحراف در کل جنبش بوده و هستیم و برخی از تأثیرات درازمدت آن نیز از هم اکنون محسوس و ملموس می باشد. شدت تأثیرات این خیانت در جنبش داخل ایران و خارج از کشور یکسان نبوده است. در داخل ایران بعد از اعلام تأسیس سازمان مجاهدین خلق، نیروها و گروه های اسلامی با استقبال از سازمان هرگونه امکانات خود را در اختیار سازمان گذاشتند. در خارج از کشور نهضت آزادی ایران ضمن آنکه تمامی امکانات خود را در خدمت جنبش مسلحانه ایران و سازمان اسلامی آن - مجاهدین خلق - قرار داد، استقلال خود را به عنوان یک سازمان سیاسی - اسلامی، حفظ نمود. همین امر باعث شد که نهضت بتواند به درستی و به سرعت در برابر خیانت عظیم منافقین و طرح عناصر شیطانی و مشکوک موضع گرفته و نتایج منفی آن را تقلیل دهد.

از جانب دیگر، حضور نهضت آزادی به صورت یک سازمان اسلامی سیاسی از زمانی که این خیانت و انحراف کل جنبش ما را مورد حمله قرار داده است، وظایف و رسالت خاصی را متوجه نهضت ساخته است. نهضت آزادی به عنوان سازمانی که مؤسس و رهبران اصیل سازمان مجاهدین خلق را در دامان خویش پرورش داده و در شرایط زمانی قبل از پانزدهم خرداد رسالت تاریخی خویش را به نحو احسن انجام داده بود و طبیعتاً اولین سازمانی خواهد بود که به یاری فرزندان خلف خلق بشتابد. مؤسسین و رهبران سازمان مجاهدین نیز با اعلام این مسئله که آنها از درون نهضت آزادی ایران موفق به تأسیس سازمان سیاسی نظامی - اسلامی شده اند (به بیانیه سیاسی سازمان مجاهدین مورخ ۲۰ بهمن ماه ۱۳۵۰ مراجعه شود) بار دیگر نظر ملت و نیروهای بالقوه موجود در اقشار و طبقات مختلف را به طرف نهضت آزادی ایران معطوف نموده و همچنین حمایت بی دریغ نهضت از سازمان مجاهدین و استقامت و افشاگری به موقع و مناسبی که در مورد خیانت و انحراف افراد مشکوک و منافق نمود، باعث استحکام و استقرار هر چه بیشتر موقعیت نهضت در میان توده ها گردید.

از طرف دیگر به علت خلاء نسبی که در جنبش اسلامی پیش آمد و نیز به دلیل نبودن یک سازمان واحد انقلابی اسلامی که برای ملت مسلمان ما جای سازمان مجاهدین خلق را بگیرد، نهضت آزادی ایران بیش از پیش نظرها را به خود جلب نمود. نهضت در داخل اگر چه از نظر سازمانی تشکیلی مشهود ندارد، اما از آنجا که نهضت سازمانی است که معرف یک حرکت فکری اصیل انقلابی در جامعه است و به دلیل آنکه این حرکت فکری و اشخاصی که معرف و بنیانگذار این حرکت فکری هستند حضور دارند، طبیعی است که همه چشمها و

امیدها به سوی آنان دوخته شود.

مدت زمانی قبل در صحنه مبارزات سیاسی، دکتر مصدق رهبر مبارزات ضداستعماری خاورمیانه، برای ملت ما معیار و ملاک اصالت و پاکی سیاسی بود. بدین معنی که هر سازمانی که به دنبال هدفهای ملی مصدق بود و در راه مصدق قدم برمی‌داشت و مورد تأیید او بود از نظر ملت ما اصالت داشت. و آنها که چنین نبودند، حتی اگر جزو رهبران فرصت طلب جبهه ملی و از افراد کابینه مصدق بودند، مورد تنفر ملت قرار گرفته و کنار گذاشته می‌شدند. امروز نیز نهضت آزادی ایران برای جنبش اسلامی

و کل جنبش ما چنین حالتی را دارد. زیرا در گذشته مبارزات مردم ما دو جنبه داشت یکی سیاسی که مصدق مظهر آن بود و یکی ایدئولوژیک که روحانیت رهبری آنرا به عهده داشت. و نهضت تنها سازمانی بوده و هست که این هر دو جنبه را در خود دارد. از یک طرف ادامه دهنده راه مصدق است و از طرف دیگر از نظر ایدئولوژیک اسلامی و پیرو مدرسها و خمینی‌هاست. بنابراین مردم مسلمان ما انتظار دارند که با نهضت خود آستین‌ها را بالا زده و کاری بکند، و با اینکه می‌خواهند ببینند کدام گروه و سازمان انقلابی خواهد بود که مورد تأیید و پشتیبانی رهبران جنبش اسلامی، آیت الله خمینی و سایر علماء اسلام از یک طرف و افراد مؤسس نهضت، طالقانی، بازرگان و سحابی و سایر رهبران آن از طرف دیگر، قرار می‌گیرد تا مردم هم به تبعیت از آنها از آن سازمان حمایت نمایند.

همراه و همزمان با این انتظارات و توقعات، برای بسیاری از خواهران و برادران علاقمند به نهضت سؤالاتی نیز مطرح شده است از این قبیل:

- خط مشی نهضت در گذشته چه بوده و در آینده چه خواهد بود.

- موضع نهضت کلا نسبت به جهاد مسلحانه چگونه است؟

- آیا هدف نهایی نهضت ایجاد حکومت اسلامی است یا نه؟

حتی عده‌ای سؤال می‌کنند که: اگر نهضت آزادی ایران قصد دارد حکومت اسلامی بوجود آورد، آیا هرگز نظر خود را اعلام کرده است؟

در اینجا سعی داریم بعضی از نکات و مسایل را درباره سؤالات فوق روشن کنیم. شاید بدینوسیله بتوانیم به بسیاری از برادران و خواهران دینی خود در شناخت نهضت و موقعیت و شرایط کل جنبش اسلامی کمک کرده باشیم.

به عبارت دیگر در موقعیت کنونی که نهضت در آن قرار دارد، همان سؤالات کلی به شکل بازتر و روشن‌تر مطرح است که: آیا نهضت آزادی می‌تواند نقش خود را در جنبش اسلامی نظیر گذشته انجام دهد؟ آیا نهضت آزادی هدفش بوجود آوردن چه نوع حکومتی است؟

اکنون با توجه به انتخاب شیوه‌های مختلف مبارزه - مبارزه مخفی (نهضت مقاومت ملی) و مبارزه علنی (نهضت آزادی ایران) - نگاهی به عملکرد نهضت درگذشته می‌افکنیم. نهضت آزادی ایران بر مبنای ضرورت و نیازی که در جنبش اسلامی از چند سال قبل بوجود آمده و به شدت احساس می‌شد تأسیس گردید. آقای مهندس بازرگان در نطقی که به مناسبت تأسیس نهضت ایراد نمود، چنین گفت:

«تصدیق می‌کنم خیلی دیر شده است. ولی دیر آمدن به از نیامدن است.» ضمناً اگر ما دیر به این صرافت افتاده‌ایم تنها گناهکار نیستیم. اکثریت ایرانیها از حزب و جمعیت اکراه و امتناع دارند»...

آقای حسن نزیه درباره مؤسسين نهضت چنین گفت:

هیئت مؤسسين نهضت آزادی ایران مرکب از کسانی می‌باشد که در هشت سال گذشته (از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ تا این زمان) علیرغم فشار و اختناق شدید ایمان و معتقدات سیاسی خود از گزند (ترس) و (یأس) و (بدبینی) مصون داشته پیوسته از پیشوای رادمردان پیشرو طریق حق و جهاد - حضرت علی(ع) الهام گرفته‌اند که فرمود: «از جای برخیزید - پرچم وحدت و اتفاق بر افرازید - علی ضامن موفقیت شما است - اگر پیروزی در آغاز به دست نیاید سرانجام نصیب شما خواهد شد.»

اعلامیه‌ای که در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۴۰ به مناسبت تأسیس نهضت صادر شد چنین آغاز گشته است:

«هموطن» اقتضای اطاعت از (خدا) مبارزه با بندگی غیر او، و شرط سپاس ایزدی تحصیل آزادی برای به کار بستن آن در طریق (حق) و (عدالت) و (خدمت) است. ما باید منزلت و مسئولیت خود را در جهان خلقت بشناسیم تا به رستگاری و پیروزی نائل شویم.»

و...

و چنین ختم شده است:

«مردم نگران امنیت هستند. خسته از استبداد و اختناق هشت ساله، رنجور از سختی معیشت و سرشار از ننگ دزدی و خیانت هیئت حاکمه‌ای که متأسفانه نام ایران و ایرانی را آلوده ساخته است، خواهان سرنوشت بهتر - رهایی از ننگ و نکبت و استقرار یک حکومت ملی، سازنده ایران پاک و آباد و آزاد است. امر مسلم این است که:

«ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم.» و...

حضرت آیت الله طالقانی در بیانیه‌ای که به مناسبت تأسیس نهضت صادر نمودند چنین مرقوم فرموده‌اند:

... «اینجانب اگر چه از کوتاهی در انجام وظیفه خود نزد خدا و اولیاء اسلام و نیاکان

بزرگواری شرمسارم ولی پیوسته در صف مبارزه با فشار و مفسدین باقی مانده و به این سبب دعوت همکاری با بنیادگذاران نهضت آزادی را پذیرفتم.

مسئلاً افراد آلوده سست‌عنصر و بدسابقه را در این جمعیت راهی نیست. ولی از هموطنان مؤمن و غیور خواستارم مراقبت نمایند دستهای ناپاک و دو دل در آن رخنه ننمایند و..:

نهضت آزادی ایران از همان ابتدا لبه تیز حمله خود را متوجه شاه نمود و با استفاده از امکانات و شرایط مبارزات علنی در نهایت آگاهی و دقت طی اعلامیه‌ها بیانیه‌ها و نامه‌های سرگشاده به تدریج خطوط چهره منحوس شاه را که در پشت قیافه نخست وزیران غلام خانه زاد و چاکر جان نثار پنهان بود بر روی صحنه سیاست ترسیم نمود. این جهت‌گیری صحیح در بیداری و آگاهی مردم ما و جهت‌گیری سایر نیروهای مبارز تأثیر بسیار گذاشت جبهه ملی و کل نهضت ملی را از دام بزرگ سازشکاری که سیاست آمریکا و شاه در سر راه آن گسترده بودند نجات داد. به مبارزات روحانیت جهت داده و عملاً از آبان ماه ۱۳۴۱ مبارزات نهضت آزادی و روحانیت به هم پیوسته و یکپارچه گردید.

این سمت‌گیری و حملات، همزمان با طرح انقلاب سفید شاه و فراندوم مسخره‌اش شدت بیشتر یافت و در اعلامیه ۴ بهمن ۱۳۴۱ که به مناسبت فراندوم صادر شده بود چنین نوشت:

«ملت شرافتمند - کارگران - کشاورزان عزیز ایرانی

دولت و شاه به نام شما و ظاهراً به خاطر شما می‌خواهند فراندوم بنمایند. فراندوم یعنی مراجعه به آراء عمومی ملت یعنی اخذ نظر ملت درباره امر معینی. برای چه فراندوم می‌کنند؟

نهضت آزادی بار دیگر به کشاورزان و کارگران، روحانیون و اصناف و روشنفکران و همه طالبان سعادت و سربلندی ملت ایران نسبت به خواب بزرگی که برای اسارت آنها و پایدار کردن بساط خود سری و دیکتاتوری و فرعون منشی دیده‌اند هشدار می‌دهد. وقتی قرار است انقلاب!! و تحول!! به دست مظاهر اختلاف طبقات و منبع و منشأ فساد و بدبختی و سرشکستگی یک ملت انجام گیرد بهتر از این اجرا نمی‌شود.»

در اعلامیه ۲۳ بهمن ماه ۱۳۴۱ نوشت که:

«ماجرای فراندوم شاهانه!! ظاهراً پایان یافت. کار افتضاح و رسوایی در این فرندام به حدی بود که حتی دستگاه وقیح و بی‌باک هیئت حاکمه که در ادعای موهوم و دروغ‌پردازی ید طولائی دارد از پیروز معرفی کردن خود در این فراندوم شرم دارد... همه این عقب نشینیها عوام‌فریبیها و خشونتها برای جلوگیری از شکست و جبران ضربه غیرمنتظره‌ای

است که هیئت حاکمه و حکومت علنی شاه در اولین مرحله تأثیر انقلاب سفید بر پیکر خود احساس نموده است.»

در اعلامیه دانشجویان نهضت آزادی ایران تحت عنوان «مبارزه صحیح و مناسب روز، نقشه و برنامه و فداکاری لازم دارد» به خوبی نشان می‌دهد که به حرکت تکاملی جنبش توجه و آگاهی داشته درصدد است که این آگاهی را به تمام مبارزین انتقال دهد. در این اعلامیه چنین آمده است:

«دانشجویان عزیز، سربازان قهرمان ایرانی:

در تاریخ مبارزات هر ملتی فراز و نشیبها و شکست و پیروزیهایی پدید آمده نفیاء و اثباتا آثاری باقی می‌گذارد بعضی از ملتها در اثر یک پیروزی موقت مغرور شده دست از مبارزه بر می‌دارند یا بعکس با شکست کوچکی عقب نشینی اختیار می‌کنند. ولی به شهادت تاریخ مللی به پیروزی نهایی رسیده‌اند که در برابر این پیروزیها و شکست‌های زودگذر خود را نباخته هدف و مقصد را فراموش نکرده با بیداری و هوشیاری پیش رفته‌اند...

.... هدف سلاح نوین دشمن تخریب فکر ما، فرهنگ ما، اخلاق ما و معنویات ملی و مذهبی

ما است.»

سپس نهضت در اعلامیه دیگری که بعد از حمله به مدارس علمی قم صادر شده است چنین می‌گوید:

فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیما»

مردم شرافتمند ایران:

هیئت حاکمه فعلی در مدت یکسال فرصتی را که از اربابان خارجی خود گرفته است شوم‌ترین بدبختیها را برای ملت ایران تدارک دیده است و اکنون که پایان این فرصت نزدیک می‌شود به مذبحخانه‌ترین تلاشها متوسل گردیده است. رفراندم قلابی به راه می‌اندازد... وقتی در این راه با تمام ظاهر سازیها که می‌کند با بی‌اعتنایی وسیع مردم روبرو می‌شود زخمی شده به فکر انتقام می‌افتد و اوپاش حرفه‌ای خود را به جان مردم می‌اندازد. هر گونه مقاومت منطقی و استواری را که در مقابل خود احساس می‌کند اعم از دانشگاه و مسجد و بازار مرکز و شهرستانها و قراء و آبادیها را طعمه آتش می‌کند. پهلو می‌درد، دندان می‌شکند، تیرباران می‌کند...

در شیراز با بمب و در تبریز با رگبار مسلسل و در قم با دشنه و اسلحه کمری. در اصفهان و مشهد و کاشان و... هر کجا به نحوی به فکر جبران شکست و مرمت بنای پی در رفته حکومت می‌باشد...

... اکنون حربه هیئت حاکمه متوجه روحانیت است. شکل یورش و غارت و قتل و عام کم و بیش شبیه آنچه در دانشگاه تهران گذشت می‌باشد. منتها با وسعت و درندگی بیشتر و کاملتر. یکبار شکست آشکارا از روحانیت آن هم در آستانه حکومت علنی شاه که منجر به پس گرفتن تصویب نامه انجمنهای ایالتی و ولایتی گردید گرچه روحانیت را قانع نساخت و حضرت آیت الله خمینی و سایر علمای اعلام در اعلامیه‌های خود کراراً متذکر شدند که هیئت حاکمه باید از تجاوز به قانون اساسی و قوانین شرع اسلام ممنوع گردد ولی همین عقب نشینی برای هیئت حاکمه گران تمام شد و در صدد جبران آن بود...

... ما بایستی هیئت حاکمه را رسوا سازیم و به همین جهت باید برای در هم کوبیدن این قبیل ارادل و اوباش آماده شویم...»

این اعلامیه‌ها با شعارهای زیر پایان می‌پذیرد:

«سلام به روحانیون مجاهد و عالیقدری که در رهبری مسلمانان به دفاع و جهاد از حریم مقدس اسلام و قانون اساسی به نجات از یوغ اسارت و بندگی لحظه‌ای از پای ننشسته‌اند و به وظایف خود عمل می‌نمایند. پیروز باد همبستگی خلل ناپذیر مجاهدین راه حق و آزادی.»

نهضت آزادی ایران

نهضت در اعلامیه‌ای که روز ۱۶ خرداد ۴۲ صادر نموده ابتدا به شرح وقایع قیام پرداخته و همچنان به مردم و انقلابیون جهت صحیح را نشان داده، وقایع و حوادثی را هم که احتمال دارد در اثر این قیام به وقوع بپیوندد و تغییراتی در شکل ظاهری رژیم بوجود آورد پیش‌بینی نموده همگان را آگاهی می‌دهد:

بسمه تعالی

خون سراپای وطن تب آلود و اسیر ما را پوشانده است. سربازان گمنام راه آزادی و ایمان در برابر سپاه چنگیزی دژخیم بزرگ به خاک خون می‌غلطند و.. آری در (مذهب جان دادن و تسلیم ناشدن) پرورش یافته‌اند و از شکوه قدرت دربار نمی‌هراسند. کسانی که امروز کوچه‌ها و خیابانها و کوهستانهای ایران را با خون خویش رنگین ساخته‌اند از مکتب بزرگترین شهید راه حق آزادی و انسانیت حسین(ع) درس جانبازی و شجاعت آموزخته و در روز قیام او قیام کرده‌اند....

... هموطنان: آتش و خون همه جا را فرا گرفته شاه در معرض فنا و نابودی است. رژیم پوسیده او دیگر نمی‌تواند در برابر اراده شما قوام و دوام بگیرد. او رفتنی است. هشیار باشید چون ممکن است استعمار وقتی کار را به این صورت ببیند با یک کودتا رژیم شاه را برانداخته برای اینکه مردم را بفریبد کارهای تند و انقلابی راه بیاندازد. این نقشه دیرینه استعمار است. او می‌داند شاه شناخته شده و دیگر کاری از دست او ساخته نیست. حتی

نوکری هم نمی‌تواند بکند....

.... شما می‌دانید که در مملکت ما نان آور خانواده مرد است. اما صدها نان آور به خاطر سعادت شما و استقلال و آزادی ایران عزیز قطعه قطعه شدند. شاه آنها را قطعه قطعه کرده است. به خانواده‌های آنها کمک کنید. هر طور و به هر اندازه که می‌توانید کمک کنید آنها را تسلیت بدهید. تسلیت آنان گرفتن انتقام از شاه آدمکش است. صندوق شهدا و زندانیان درست کنید....

سرنگون باد رژیمن منفور شاه، مرگ بر اسرائیل ارباب پلید شاه
درود به روان پاک شهدای خونین کفن ملت ایران
سلام به مصدق عزیز رهبر نهضت ملی ایران
درود به روحانیون دلاوری که با قیام مردانه خود قیافه یزیدی شاه را به جهانیان نمایاندند.

سلام به زندانیان، رهبران و اعضای جبهه ملی که در زندان استبداد به سر می‌برند.
سلام به مادران، پدران، خواهران، فرزندان، برادران داغدیده و عزیز گم کرده ایران
نهضت آزادی ایران.

و سپس در تاریخ ۴۲/۳/۱۹ اعلامیه دیگری تحت عنوان «دیکتاتور خون می‌ریزد» صادر و پخش نموده است که قسمتهایی از آن به شرح زیر است:
«مردم مسلمان ایران:

در طول تاریخ ایران، نخستین بار است که به مقام منبع نیابت عظمی امام علی علیه السلام جسارت می‌شود و مرجع تقلید حضرت آیت الله خمینی دزدیده و زندانی می‌شود و...
مردم با غیرت:

رقم کشته‌ها و زخمی‌ها در کشور از ده هزار نفر متجاوز است. مردم عریان و به جان رسیده این مملکت سینه‌های لخت خود را به رگبارهای مسلسل‌های شاه دیکتاتور سپردند. مردند و تسلیم حکومت جبار نشدند. دانشجویان دانشگاه تهران با شعار دیکتاتور خون می‌خواهد، مرگ بر دیکتاتور خون آشام، بیاری مردم مسلمان به خیابانها ریختند و... ایرانی مسلمان:

به حکم آیت الله میلانی (در اعلامیه‌ای که در تکذیب اعلامیه جعلی از قول ایشان صادر فرمودند) هر کس در این شرایط دست از مقاومت بردارد به اسلام، به قرآن، به آزادی خیانت کرده است.

هیئات: که تو مسلمان باشرف خیانت کنی، هیئات که تو تو که با فریاد الله اکبر (اسلام و خمینی پیروز است) جان می‌دهی اندیشه تسلیم و خیانت به دماغ راه دهی. مسلمانان

افراد نهضت آزادی ایران، یاران وفادار قرآن و شاگردان مکتب آزادی بخش حسین بن علی علیه السلام با ایمان راسخ و قاطعیت و بدون تزلزل با قیام عمومی مردم ایران همگامی نموده و به یاری خدا ملت ستمدیده ایران را تا پیروزی معاونت خواهند کرد.

با استعانت از خداوند قهار - نهضت آزادی ایران

در تاریخ ۲۲/۴/۴۲ در اعلامیه‌ای تحت عنوان «چهل روز از شهادت فرزندان رشید ملت می‌گذرد» چنین نوشت:

«امسال اربعین حسین مصادف با روزهایی است که ملت مسلمان ایران به علت چهلمین روز قتل عام وحشیانه هزاران نفر، از خواهران و برادران خود داغدار می‌باشد. ... اکنون چهل روز از شهادت عزیزان ما می‌گذرد. خانواده‌های بیشماری از کشتار نان آوران و نور چشمان خود داغدار و عزادارند، چه بسا افرادی که بوسیله دستگاه سیاه دیکتاتور زنده به گور شدند. چقدر زنان و اطفال بی‌گناه از بین رفتند. چه سینه‌هایی که هدف گلوله قرار گرفت!!!...»

... آیا ملت ایران که برای احقاق حق خود قیام کرده و دلیرانه در مقابل زور و قلدری ایستادگی نمود شکست خورد و یا حکومت دیکتاتوری خونخوار که خود را در مهلکه‌ای انداخته است که از آن خلاصی ندارد؟

آسوده بخوابید ای شهیدان ملت ایران، ای آزادگان و ای مسلمانان دلسوخته... آسوده بخوابید و مطمئن باشید ملت ایران نخواهد گذاشت خون شما فرزندان اسلام پایمال گردد و راه شما یعنی راه مدرسه‌ها و خمینی‌ها را دنبال خواهد نمود.

سلام و درود و تحیت خالصانه ما بر شما ای شهیدان راه آزادی - شما گناهی نداشتید جز اینکه فقط خدا را به خدایی قبول داشتید و در مقابل هر صاحب قدرتی و هر پست و رذلی سر تعظیم خم نگردید. فریاد شما را ظاهراً با گلوله خاموش کردند و غافل از آنکه بانک حق‌طلبی شما تا پیروزی نهایی در سراسر گیتی طنین انداز است.

درود و رحمت ایزدی بر شما باد

نهضت آزادی ایران

و بالاخره نهضت آزادی ایران پس از صدور اعلامیه‌های متعدد دیگر. به مناسبت محاکمه سران و فعالین خود در دادگاه نظامی دست به صدور اعلامیه‌ای زده و در آن به تحلیل و نشان دادن هدفهای دوررس و خطوط کلی استراتژی نهضت، نشان دادن وحدت و یکپارچگی نهضت با روحانیت و مراجع عالیقدر و به خصوص حضرت آیت الله خمینی پرداخت.

ما نیز برای اطلاع هموطنان عزیز متن کامل این اعلامیه را در اینجا نقل می‌کنیم:

پیوند مقدسی که ناگسستنی است

نهضت آزادی ایران، ستون فقرات نهضت مقاومت ملی و نیروی اجتماعی اصیل و مقاوم نهضت ملی ایران است. خصلت اساسی این نیروی عظیم و جاودانی در این است که از قدرت خلاقه ایمان مذهبی مردم سرچشمه گرفته و از درون قلوبشان فوران کرده است. ما همان زمان که در نهضت ضداستعماری به پیشوایی قهرمان بزرگ میهنمان دکتر محمد مصدق برای رهایی ملت و استقرار حاکمیت و استقلال ملی مبارزه می‌کردیم منتها سعیمان این بود که مبارزه به عنوان جهادی مقدس تلقی شود و توده‌های مسلمان با شور و اخلاصی ثمربخش در سازمان متشکل گردند و ضامن ادامه پیروزی باشند.

پس از آن در نهضت مقاومت ملی و نافرمانی ضداستعماری کوشش بسیار کردیم تا مبارزه ملی جنبه نیروی اعتقادی پیدا کند و موجب بسیج همگانی مسلمانان بر ضد هیئت حاکمه دست نشانده اجنبی گردد. دادستانی ارتش در ادعاینامه‌اش جلوه‌ای از این مساعی خستگی ناپذیر را منعکس نموده است آنجا که می‌گوید آنان در سالهای ۳۳-۳۴ فعالیت‌های سیاسی حادی در نهضت مقاومت ملی داشتند و انجمن‌های اسلامی را برای جلوگیری از تشمت خود تأسیس کردند.

آری ما همواره بنابر وظیفه مذهبی به میدان مبارزه آزادیبخش ملی گام نهاده و تأمین استقلال و حاکمیت و سعادت مردم را یکی از بزرگترین مسئولیت‌های خویش در برابر پروردگار متعال دانسته‌ایم و در طریقتش به جان کوشیده‌ایم.

در نطق‌های افتتاحیه نهضت آزادی ایران نیز در صدر گفتار به همگان اعلام داشته‌ایم که «ما مسلمانیم» و مبارزه در راه خوشبختی توده‌های رنجبر مظلوم و استعمارزده میهنمان را جهادی مقدس تلقی می‌کنیم و آن را فریضه‌ای از فرایض اسلامی می‌دانیم و در اقامه‌اش کوشا خواهیم بود.

در مبارزه ضدامپریالیستی و ضددیکتاتوری ایمان اسلامی را به مثابه کوبنده‌ترین سلاح ایدئولوژیک توده‌های کارگران و دهقانان به مثابه آرمان امیدبخش تهیدستان جامعه به کار برده‌ایم. عملاً نیز شیوه مبارزه ما با معطوف به بسیج مردان مجاهد و پاکدلی بوده است که ایمان و اراده پولادینشان را وقف توده‌ها کردند. از این رهگذر طبقاتی را که برای بهبود شرایط زندگانی در تلاشند با اهل فداکاری و ایثار و مردانگی همدوش و همگام ساخته‌ایم و جنبش ملی را به پیش رانده‌ایم.

در نیمه دوم سال ۴۱ الهامات مراجع عظام تقلید و علمای مبارز و آزادیخواه به میان توده‌های روشنفکر و ستمدیده جامعه راه یافت و مجاهدات جمیله، آن بزرگواران هر چه مؤثرتر و نافذتر گشت.

اسلام عزیز روح حزب ماست و مسلمانان طبیعی‌ترین هم‌زمان ما هستند. ما بنیانی مرصوص و قطعه پولادی تجزیه ناپذیر هستیم که در مسیر مبارزه پیوسته‌تر و محکم‌تر می‌شویم و هیچ عاملی جز در جهت استحکام هر چه بیشتر ما مؤثر نخواهد بود. همه به یاد دارند که در جنبش خونین ضد دیکتاتوری نیمه خرداد ۴۲ ما چون سربازانی پاکباز در راه روحانیت شیعه که مظهر دین و آزادی ملی ماست سر نهادیم و خونمان را با خونهای پاک شهدا بیامیختیم پیکار تاریخی و هیجان انگیز نیمه خرداد ۴۲ تجسم درخشان آرمانی بود که طی سالها مبارزه زیر پرچم مقدس نهضت ملی ایران در دل می‌پروراندیم و در راه تحققش تلاشی سخت می‌کردیم. اینک که از لحاظ زمان به پشت سر می‌نگریم از اینکه دیربست وحدت مبارزه در سایه اسلامی شدن نهضت ملی ایران تحقق پذیرفته است غرق شادی و امید می‌شویم و پیروزی قطعی ملت را بر نیروهای تبهکار استعمار دیکتاتوری به رأی العین می‌بنیم. مدتی است که به یاری قادر متعال بازوان پر قدرت مسلمانان از کرانه‌های ارس تا خلیج فارس و از خراسان مردخیز تا آذربایجان قهرمان در نهضت آزادیبخش و ضد استعماری ایران گره خورده و به هم پیچیده است. نیروی هنگفت و پیروزمندی که امروز به میدان مبارزه رهایی بخش ملی متمرکز گردیده است با پیوند مقدس ایمان اسلامی وحدت و یکپارچگی یافته است و ما بر آن سر هستیم که در مسیر این پیکار سهمگین و امیدبخش نظم اسلامی را که عادلانه‌ترین نظم اجتماعی سراسر تاریخ است بر ویرانه نظام دست نشانده‌گی پی ریزیم و کاخ آمال مسلمانان را در سرانجام خوش شگون نهضت ضد استعماری در میهن گرامی خودمان ایران، برافرازیم. وحدت کامل و بی‌نظیر نیروهای ملی، و پشتیبانی مصرانه روحانیت گرامی ما از نهضت ضد استعماری ایران، دشمنان و هیئت حاکمه را به نحو عجیبی به هراس افکنده است. اکنون بیش از هر وقت دیگر از این وحدت مقدس و ناگسستنی هراسناک و خائف است. وحدت کامل و پایدار نهضت آزادی ایران به عنوان پیش قراول نیروهای انقلابی جبهه ملی ایران با روحانیت عالیقدر و شیعه و مبارزه مشترک تمامی ملت به رهبری پیشوایان مذهبی ارکان دستگاه حاکمه جابر را به لرزه درآورده است.

نهضت آزادی ایران - که همواره مورد تأیید حضرات آیات الله العظام بوده است و همیشه به رهبران زندانش به عنوان وفادارترین و بااخلاص‌ترین سربازان دین نگریسته‌اند بار دیگر از الطاف مبارکشان سپاسگزاری می‌نماید و همبستگی کامل و وحدت خلل‌ناپذیر خود را با آن پیشوایان بزرگ مؤکداً اعلام می‌دارد. همچنین به عموم مسلمانان ایران یادآور می‌شود که هرگونه نشریه یا اعلامیه یا مضمونی مخالف این رویه و مقصد عالی منتشر گردد مسلماً از طرف دستگاههای جاسوسی استعمار است و جز بهترین دلیل بر ترس

باطنی استعمارگران و ایادی حاکمۀ آنها از وحدت صفوف ما نیست.

نهضت آزادی ایران

و اینک پس از ۲۴ سال از کودتای ۲۸ مرداد و فعالیت و مبارزه مستمر در نهضت مقاومت و سپس در نهضت آزادی ایران و با توجه به پیروزیها و شکستها و دگرگونیها و تحولاتی که در نهضت ملی ما و جنبش نوین اسلامی بوجود آمده و ضربات شدیدی که اخیراً به دنبال خیانتها و انحرافات بر آن وارد شده است، جنبش اسلامی ما همچنان با هیبت و نیرو به جلو می‌تازد و نهضت نیز در کنار همه نیروهای سالم و اصیل اسلامی در راه انجام وظایف خود قدم برمی‌دارد.

شرایط جدیدی که هم اکنون علائم بروز آن در ایران مشهود است، بدون شک تحت تأثیر عوامل چندی است. نهضت آزادی معتقد است که در رأس تمامی این عوامل نیروی مقاوم خلق مسلمان ایران و استمرار در مبارزه، جهاد و شهادت و خونهای عزیزان بسیاری که ریخته شده است، و تحمل انواع شکنجه‌های قرون وسطایی هزاران فرزند برومند خلق که در زندانها به سر می‌برند، همه تظاهر نیروی مقاومتی است که در ایران و در تمامی کشورهای دنیای سوم از طرف مردم استعمارزده و مستضعف، در پیدایش شرایط کنونی در سطح ایران و جهان نقش تعیین کننده داشته است.

عامل دیگری که واجد اهمیت است و باید دقیقاً بدان توجه داشت، شرایط کنونی جهان است و تغییراتی که در سالهای اخیر در روابط کشورهای سرمایه‌داری و دولتهای به اصطلاح سوسیالیستی رخ داده است و با در نظر گرفتن سیاست دموکراتها بعد از روی کار آمدن کارتر در آمریکا، به عبارت دیگر، این مسئله که در انتخابات رییس جمهور آمریکا، موضوع «حقوق بشر» یکی از «شعارهای انتخاباتی» تعیین شود خود معرف آگاهی استعمارگران جهانی است از جو انقلابی و قابل انفجار در تمامی کشورهای دنیای سوم.

بنابر این استعمار جدید (در تمامی اشکال و نگرشها) همیشه و اکنون بیش از پیش در صدد است که برای از بین بردن و یا آرام ساختن جو انقلابی، دست به تغییراتی در شکل ظاهری رژیم ایران از نوع یونان و یا پرتقال و اسپانیا زده و زیر پوششهای ظاهر فریب «ملی» و یا «مارکسیستی» و یا حتی «مذهبی» به مخدوش ساختن ارزشهای جنبش اسلامی انقلابی، یا انحراف آن و با خنثی ساختن آن بپردازد. تا شاید بتواند برای چند سالی سرنوشت محتوم و اجتناب ناپذیر خود را به تأخیر اندازد.

نهضت آزادی ایران همچنان بر سر پیمانی که با خدای خویش و ملت مسلمان ایران بسته است ایستاده و تا زمانی که مردم مسلمان ما قادر به زدن ضربه نهایی و به دست گرفتن زمام حکومت نباشند در مقابل هر سازشکاری که توسط افراد و نیروهای به

اصطلاح ملی از هر دسته و گروهی که باشند، به افشاگری پرداخته و مشت فرصت طلبان را باز و آنها را رسوا خواهد ساخت.

سرنگون باد رژییم سفاک و خون آشام شاه

مرگ بر امپریالیسم سیاه، سرخ و زرد

هر چه مستحکمتر باد اتحاد نیروهای اصیل اسلامی

درود بر تمام شهدا و زندانیان مسلمان

سلام ما بر حضرت آیت الله خمینی رهبر عالیقدر جنبش اسلامی

آتش بس در فیلیپین

جنگ مسلمانان فیلیپین با دولت مارکوس که بیش از پنج سال طول کشیده و به نابودی بیش از ۵۰/۰۰۰ مسلمان و آوارگی چند هزار نفر انجامید، ظاهراً با توافق طرفین پایان یافت و گویا پیمان آتش بس به امضاء رسید. مذاکرات صلح در ماه مارچ در شهر تریپولی با دخالت مستقیم معمر قذافی انجام پذیرفت، در قطعنامه آتش بس چهار اصل به شرح زیر قید شده است:

۱- استقلال مناطق جنوبی فیلیپین و شناسایی تمامیت ارضی آن توسط جمهوری فیلیپین.

۲- سرزمینهای استقلال یافته شامل این مناطق می شود:

باسیلان، سولو، تاو تاوی، زامبوآنگالی جنوبی و شمالی، شمال کوتاباتو، پالوان، و کلیه شهرها و روستاهای این مناطق.

۳- مناطق استقلال یافته دارای قوانین مدنی، حقوقی اقتصادی و سیاست خارجی مستقل

بوده که آنها را در ۱۴ بند عنوان می نماید...

۴- به مجرد امضای قرارداد شرایط فوق الذکر باید به مورد اجرا گذارده شود.

کشور فیلیپین از مجموعه ۷۱۰۰ جزیره تشکیل شده است که حاصلخیزترین جزایر آن در بخش جنوبی که عموماً مسلمان نشین می باشند قرار دارد. معادن آهن و ذخایر نفتی و زمینهای حاصلخیز با باغهای میوه عموماً در این نواحی متمرکزند. منابع سرشار این نواحی سالها مورد نظر کمپانیهای خارجی و دول استعمارگر بوده است. دولت مارکوس که با نفوذ و حمایت مستقیم آمریکا بر سر کار آمد عملاً حکم سگ نگهبان منافع آمریکا را دارد و به بهترین وجهی وظایف خود را انجام می دهد. تجاوزات مستمر کمپانیهای خارجی به

مناطق مسلمان نشین و بهره برداری از سرزمین آنها از یک سو و اعمال زور حکومت مرکزی برای حفظ منافع خارجی از طرف دیگر انگیزه‌های لازم را برای شروع یک جنبش انقلابی در منطقه فراهم می‌آورده است. نهضت‌های اسلامی منطقه که عمیقاً در بین توده‌ها ریشه دوانیده و قرن‌ها تنها جنبش‌های ضد استبدادی و ضد استعماری در منطقه بوده‌اند این بار نیز پیشقدم شده «جبهه ملی آزادیبخش مسلمانان» و جبهه مسلمانان بنگسا را بوجود آوردند. اختناق و فشار سیاسی حاکم بر کشور به خصوص بعد از اعلام حکومت نظامی در سپتامبر ۱۹۷۲ گروه‌های دیگر را نیز به ستوه آورده بر علیه حکومت مارکوس بسیج کرد و تعدادی از آنها نیز به جبهه مسلمانان پیوستند.

جنگ در جنوب بیش از دو سوم نیروهای فیلیپین را درگیر کرده بود و ادامه مخاصمه را برای رژیم مارکوس غیرممکن می‌نمود. از سوی دیگر قتل عام مسلمانان و حملات پی در پی به سرزمین‌های آنان نه تنها دارای انعکاس جهانی بدی بود بلکه اوضاع داخلی را نامتعادل نموده و هر آن احتمال از هم گسیختگی دولت مرکزی می‌رفت، در حالی که با وجود درگیری شدید آمریکا در اقیانوس هند و افریقای مرکزی و جنوبی، لزوم ایجاد شرایط ثابتی در منطقه آسیای جنوب شرقی برای آمریکا حیاتی بود، ولی ادامه آتش جنگ در جنوب فیلیپین عملاً آمریکا را به خود مشغول داشته بود و مانع از اجرای برنامه‌های که خاموش کردن جنبش‌های آزادیخواهانه به طریق سیاسی و بدون ادامه برخوردهای نظامی (نظیر خاورمیانه) و نیز تخلیه تدریجی نیروهایش از آسیای جنوب شرقی و تمرکز آنها در مناطق مورد نیاز بود، می‌شد.

آمریکا دارای دو پایگاه نظامی عظیم در فیلیپین می‌باشد پایگاه دریایی خلیج سیویک و پایگاه هوایی کلارک که جمعا ۱۵/۵۰۰ سرباز و افسر آمریکایی با مقادیر قابل ملاحظه‌ای تسلیحات نظامی در آنها مستقرند. از این دو پایگاه حملات پی در پی هوایی و دریایی بر علیه ویتنام و کامبوج صورت می‌گرفت، ولی با پایان جنگ ویتنام و شکست مفتضحانه آمریکا و همچنین هم پیمانی ابرقدرتها بر سر منافع خود در منطقه وجود نیروهای آمریکایی آن هم به این وسعت لزومی نداشت. ولی به لحاظ وجود تعداد زیادی کمپانی‌های آمریکایی که در حال بهره‌برداری از منابع طبیعی فیلیپین می‌باشند آمریکا نگران سالهای بعد از خروجش از منطقه بود. لازم به تذکر است که به خاطر شرایط نامساعد و ناامن فیلیپین تعدادی از کمپانیها با وجود منافع سرشار از سرمایه‌گذاری در آنجا خودداری می‌کردند ولی اخبار بعد از اعلام آتش بس بسیار جالب است، زیرا همان کمپانیها بعد از برقراری آرامش بر سر تقدم و حق سرمایه‌گذاری به جان یکدیگر افتاده‌اند. وال اسریت ژورنال نمونه‌ای از این برخوردها را در مورد دو کمپانی ذوب آهن که سالها به معادن آهن

واقع در شمال مین دانائو چشم داشته‌اند و اکنون بعد از خاتمه جنگ برای احراز حق سرمایه‌گذاری به دادگاه رفته‌اند بیان می‌کند.

بنابراین آمریکا برای اجرای مقاصدش باید چند برنامه را پیاده می‌کرد: تثبیت موقعیت فیلیپین در منطقه و در جهان پایان جنگ در جنوب و بالاخره بهره‌برداری از سرزمینهای مسلمانان بعد از آتش بس.

تثبیت موقعیت فیلیپین در منطقه بعد از سفرهای پی در پی روسای جمهوری آمریکا به چین و شوروی کار را آسان نمود. زیرا بعد از برقراری روابط دیپلماتیک مابین آمریکا، «ستاد زحمتکشان» و «پایگاه انقلاب»!! دیگر خطری موجودیت حکومت ارتجاعی فیلیپین را تهدید نمی‌کرد. به خصوص که در زمان حیات مائو علی‌رغم کشتارهای وحشیانه انقلابیون مسلمان در فیلیپین روابط دوستانه‌ای بین مارکوس و چین کمونیست برقرار شده بود و بعد از اطمینان خاطر از همکاری متقابل کمونیستها! آمریکا انحلال ضمنی پیمان نظامی «سیتو» را پیش کشید.

برای تحقیق این ثبات در سطح جهانی لازم بود که فیلیپین به عنوان یکی از دول بی‌طرف شناخته شود و از طرف کشورهای جهان سوم تأیید گردد. مسافرتها پی در پی و معروف زن مارکوس به کشورهای گوناگون جهان سوم قدم واضحی در انجام این طرح بود. ولی ادامه نفوذ مستقیم آمریکا در کشور بعد از استقلال، و وجود دو پایگاه نظامی رایگان این امر را مشکل می‌نمود. لذا با وجود اینکه در اواخر سال ۱۹۷۶ هنری کیسینجر وزیر خارجه آمریکا طی قراردادی استفاده از دو پایگاه نظامی را تا سال ۱۹۹۱ تثبیت نمود و دولت مارکوس نیز عملاً نیاز خود را بوجود نیروهای آمریکایی در کشور نتوانست کتمان کند معهداً برای اثبات عدم تعهدش نسبت به آمریکا و در نتیجه بی‌طرفیش، ناگهان دم از بطلان قرار داد زده، قصد دارد از آمریکا به خاطر استفاده از این پایگاهها اجازه دریافت کند و به همین خاطر آمریکا حرف تخلیه پایگاهها را پیش می‌کشد!

آنچه جالب و حائز اهمیت فراوان می‌باشد، نگرانی چین از خروج نیروهای آمریکا از منطقه است!! زیرا بیم دارد که روسیه شوروی کمونیستی جای وی را در منطقه پر نماید. به طوری که به دولت مارکوس می‌گوید «درست نیست که شما ببر را از در جلو برانید و خرس را از در پشت به داخل راه دهید».

خاتمه جنگ نیز به صورت بسیار ماهرانه‌ای انجام می‌پذیرد. و به عبارت دیگر آمریکا با انجام این کار در حقیقت با یک تیر چند نشان می‌زند. تعدادی از کشورهای عربی را که خود در ردیف کشورهای جهان سوم هستند برای بازی کردن نقش میانجی در مذاکرات صلح به پیش می‌اندازد (و با کمال تعجب حتی لیبی که به انقلابیون با دادن اسلحه و پول کمک می‌-

کرده در شمار این کشورها قرار دارد) و از این رهگذر ورود فیلیپین را به کنفرانس کشورهای جهان سوم حتمی می‌نماید، و از جانب دیگر ترس از بایکوت احتمالی نفت اعراب به خاطر مسلمانان را هم برطرف می‌نماید. و از آنجایی که انقلابیون جنوب فیلیپین مسلمانند روبه صفتانه دولتهای به اصطلاح مسلمان را در این امر پیشقدم می‌کند تا بتواند مبارزین را راحتتر بفریبد برگزاری کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی!! توسط عربستان سعودی نمونه بارزی از این نقشه بود.

سیاست بازی آمریکا در بهره برداری از ثروتهای مسلمانان فیلیپین بعد از جنگ نیز قابل بررسی است تا بتوان به چگونگی سیاستهای شیطنانی امپریالیستهای راست و چپ پی برد. گزارشات تأیید نشده دیگری حاکی است که کمپانیهای نفتی عربستان (یعنی آرامکو که اصلا آمریکایی است) برای استخراج منابع نفتی در قسمت‌های جنوبی با مسلمانان وارد مذاکره شده‌اند. وقتی که گرگ استبداد داخلی و امپریالیست جهانی قادر نشد تا با اعمال زور سرزمینهای آنان را تصاحب نماید و به غارت ثروتهای طبیعی آنان بپردازد پوستین گوسفند بتن کرده به چپاول آنان اقدام می‌نماید.

ولی آنچه از همه بیشتر از آن بیم داریم نقشه شوم احتمالی آمریکا برای نابودی کامل انقلابیون در منطقه است. سیاست فعلی آمریکا ایجاب می‌کند که هر جا آشیانه‌ای برای رشد و تعلیم مجاهدین باشد آنها را نابود نماید. ولی تا زمانی که انقلابیون اسلحه در دست دارند و هوشیارانه حافظ مرزهای خود می‌باشند این کاری مشکل، خطرناک و پرخرج است و در تضاد با نقشه‌های جهانی آمریکا. اما با خلع سلاح کردن آنان راحتتر می‌توان کار را تمام کرد. تاریخ کشورهای جهان سوم نمونه‌های زیادی از این وقایع را به خاطر دارد.

از این بیم داریم که صلح کنونی، وقایع شومی را برای مسلمانان در این جبهه به بار آورد. از خداوند قادر می‌طلبیم که حيله دشمنان را به خودشان بازگرداند و انقلابیون مسلمان فیلیپین را پیروز گرداند.

نامه وارده

بسم الله الرحمن الرحيم

و من المومنين رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم قضی نحبه و منهم من ينتظرو ما بدلواتبديلا (احزاب ۲۱-۲۲)

برادران شرافتمند و انقلابی نهضت آزادی ایران در خارج از کشور:

با دروهای گرم برادرانه آمدن سال نو را به شما و خلق مسلمان ایران از صمیم قلب تبریک گفته و خواهان پیروزی هر چه بیشتر شما و خلق مسلمان ایران در امر رهایی ایران می‌باشیم. امیدواریم سال نو برای انقلابیون مسلمان ایران سال پر از موفقیت باشد تا اینکه خشم خداوند در حرکت توده‌ها انعکاس یافته بساط رژیم شاه خائن ایران را درهم چیده دولت بدون طبقه و استثمار را ایجاد نمایند که در آن از دیکتاتورهای یک مشت خورده بورژواهای قدرت‌طلب اثری نباشد.

در سرزمین ما افغانستان نیز خانواده ارتجاعی محمدزایی از ۱۵۰ سال به این طرف بالای توده‌های مسلمان ما حاکمیت دارند که در قرن گذشته همه به انگلیسیها وابسته بودند، تا اینکه مسلمانان مبارز چون ملامشک عالم اندری، محمد جان خان غازی و امین اله خان لوگری توده‌ها را به دور شعار اسلام بسیج نموده امپریالیست‌های کهنه کار انگلیسی را از سرزمین ما بیرون راندند. انگلیس‌ها تسلیم شده و با کمک سیاست (تفرقه بینداز حکومت کن) دوباره به افغانستان آمدند این بار باز هم توسط رهبری مسلمانان در دوره پادشاه نسبتاً مترقی به نام امان اله خان از افغانستان با بیش‌تری زیاد اخراج شدند و در سال ۱۹۱۹ افغانستان کشور مستقل اعلان شد. امان اله خان چون تجربه سیاسی نداشت در اثر دسایس انگلیسیها توسط یک راهزن به نام (حبیب اله بچه سقاب) از قدرت افتاد و به ایتالیا رفت. در این زمان عموی داودخان دیکتاتور فعلی، به نام نادرخان در فرانسه بود که در اثر مشاوره و کمک انگلیسیها به پاکستان آمد و از آنجا به جنوب افغانستان بین قبایل رفته مردم را به نام جهاد و دوباره روی کار آورد امان اله خان به دور خود جمع کرده حبیب‌اله راهزن را سرنگون ساختند نادر شاه عملاً به شاهی رسید که از نظر ماهیت‌های ضد خلقی و ارتجاعی‌اش با پدر شاه خائن ایران شباهت‌های زیادی داشت. در زمان جنگ علیه بچه سقاب با بعضی از مسلمانان وعده کرده بود که بعد از سرنگونی بچه سقاب و وصول قدرت امان‌اله‌خان را از ایتالیا فرا می‌خواند و ریاست جمهوری برپا می‌کند. اما برعکس گفته‌هایش بعد از وصول قدرت به کمک توده‌ها، خودش را بدون نظر دیگر رهبران مسلمان شاه اعلام می‌کند، غلام نبی‌خان چرخ مبارز طی کشور با این نظر مخالفت می‌کند، نادرخان وضع را وخیم می‌بیند غلام نبی‌خان را در اثر دسیسه به شهادت می‌رساند. از این جریان اکثر مردمان ناراحت می‌شوند که در بین دوستداران غلام نبی رخ یکی از کارکنانش چون می‌داند که غلام نبی‌خان خودش نمرده بلکه نادرخان شهیدش ساخته است. به همان دلیل یک روز در مراسم پخش جوایز به محصلین لیسه، کارکن مذکور با گلوله به حیات ننگین نادرخان خاتمه می‌دهد. بعد از نادرشاه فرزند ناخلفش ظاهرشاه به قدرت می‌رسد که ظاهرشاه در غارت و چپاول توده‌ها به پدر خائنش دعاگو پیدا می‌کند. بعد از یک عمر خیانت

و وطن‌فروشی در سال ۱۳۵۲ با کودتای قوی داودخان از قدرت می‌افتد. داودخان در اولین روز جمهوری از طریق رادیو خود را پایه‌گذار جمهوری اسلامی اعلام می‌کند اما بعد از چند روز چهره کریه خود را به توده‌ها آشکار می‌سازد که مسلمان نیست. امروز تزارهای سرخ روس تمام شریانهای اقتصادی کشور ما را به دست گرفته‌اند و منابع طبیعی کشور ما را غارت می‌کند. پولیس KBG روس در ساختمان (سازمان امنیت ملی) پولیسی افغانستان عملاً فعالیت می‌کند. تزارهای سرخ شوروی در چپاول و غارت روی امپریالیستهای آمریکا را سفید می‌کند. کارخانه‌های مونتاژ شوروی و استفاده از کارگر ارزان افغانی و بالاخره تقویت رژیم دست‌نشانده داودخان بر ناراحتی زحمتکشان و عناصر آگاه کشور ما افزوده است.

برادران گرامی!

در میان این کشمکش‌ها و نابسامانیها «سازمان مجاهدین فدایی خلق افغانستان» یگانه پیش‌آهنگ جهاد مسلحانه خلق ما ضربات خردکننده‌ای به رژیم ارتجائی داودخان فاشیست و وطن‌فروش زده است. این سازمان انقلابی و محبوب خلق ما در پرتو شعار «لااله الاالله» بدون کوچکترین شک و تردید در امر پیروزی به پیش می‌رود. ما از خلق مسلمان ایران و جهان و تمام نیروهای ضدامپریالیستی و تزاری می‌خواهیم تا از جهان‌رهایی بخش خلق افغانستان پشتیبانی کنند.

مرگ بر امپریالیسم آمریکا

مرگ بر تزارهای سرخ شوروی

سرنگون باد رژیم ارتجائی داود خان

پیروز باد انقلاب‌رهایی بخش خلق افغانستان

گروه انقلابی مسلمانان افغانی در خارج از کشور

تروریسم شاهانه

توضیح و تصحیح

هیأت تحریریه محترم پیام مجاهد:

در مقاله تروریسم شاهانه «پیام مجاهد شماره ۴۵، آنچه که مربوط به اینجانب بود نیاز به تصحیحی مختصر و توضیحی بیشتر دارد که در ذیل به نظر شما می‌رسد:

متصدی ترور اینجانب آقای «خان پیرا» مرا در اوایل ژوئن ۷۶ مطابق با اواسط خرداد

۵۵ از نقشه جنایتکارانه ساواک مطلع نمود. او همراه با این اطلاع پیشنهاد نمود که صحنه‌ای مصنوعی از یک سوءقصد ترتیب داده شود و اینجانب دو سه روز غایب شوم. در این هنگام او پولی را که ساواک تعیین کرده بود، یعنی دویست هزار دلار را دریافت داشته، نیمی از آن را به من برای فعالیتهای سیاسی داده و نیمی دیگر را خود گرفته، به گوشه‌ای از جهان بگریزد. در آن هنگام نفس همین پیشنهاد مورد شک و تردید قرار گرفت. زیرا به وسیله رژیم ایران می‌توانست مخالفان را صحنه سازد و حقه باز و دروغگو معرفی نماید و به حیثیت آنان در جهان لطمه وارد آورد. بنابراین در جواب به این پیشنهاد در حضور وکیل خود و خبرنگار روزنامه لوموند «آقای ژان کلود گیبو» (۱) گفتم که به دلیل فوق و هم به این جهت که حاضر نیستم به پول ساواک ایران که برای کشتن خود منم داده شده باشد دست بزنم در چنین بازی و صحنه سازی شرکت نخواهم کرد. در همین رابطه به آقای خان پیرا پیشنهاد کردم که قضیه را به کلی فراموش کرده و ابداً راجع به آن با کسی صحبت نکند زیرا که جان خود او نیز احتمالاً در خطر خواهد بود. مسئله از لحاظ اینجانب همانجا ختم شد و درباره آن با هیچکس صحبتی نرفت.

آقای خان پیرا پس از شنیدن جواب رد از طرف اینجانب همانطور که خود بعداً گفت، در اواسط ماه ژوئن بدون اطلاع من به پلیس خارجی فرانسه (DST) مراجعه کرد و پیشنهاد نمود که با اطلاع آنها یکبار دیگر مأمور ساواک «فیروزی» رابه بهانه‌ای به فرانسه بخواند و ترتیبی فراهم آورد که فیروزی دست به عملی بزند که روشن شود در این کار شرکت دارد و لذا پلیس فرانسه بتواند او را دستگیر نماید. او همچنین به پلیس پیشنهاد کرده بود که اسلحه‌ها را هم در اختیار بگیرد و در مقابل همه اینها به او پناهندگی سیاسی بدهد. بنا به گفته خان پیرا، پلیس فرانسه در برخورد اول مخالفتی با این پیشنهاد نمی‌کند ولی پس از دوماه به تعویق انداختن قضیه، به دستور نخست وزیر وقت «شیراک» به آقای خان پیرا اطلاع می‌دهد که: «دولت فرانسه مایل نیست هیچگونه اشکالی در روابط خود با ایران ایجاد نماید». و بدینوسیله آقای خان پیرا به امید خدا رها می‌شود.

جالب آنکه اسلحه شاهانه هنوز که هنوز است در دست این شخص است. او در پاریس به سر می‌برد و کسی پیدا نشده که این سلاحها را از او دریافت دارد، زیرا که دریافت این سلاحها ایجاد مسئولیت برای گیرنده می‌کند و در این میان پلیس است که مجبور به تحقیق راجع به موضوع می‌شود. حال مشخص است که وقتی مصالحه و منافع دولتی در میان است، دیگر بحثی از «تروریسم» نیست و حتی اسلحه «تروریست» را هم نباید گرفت!! این است معنی واقعی «مبارزه با تروریسم» در اصطلاح دولت‌های فعلی جهان!

آقای خان پیرا پس از آنکه از پلیس فرانسه مأیوس شد و پس از مراجعت اینجانب از

سفر آمریکا در اواخر ماه نوامبر ۷۶ مجدداً به من مراجعه کرد و داستان خود را با پلیس فرانسه باز گفت. در جواب به ایشان گفتم که حال که پلیس فرانسه مطلع است، به احتمال زیاد ساواک نیز از جریان اطلاع دارد و بنابر این جان خود او نیز در خطر است. لذا بهتر است واقعه را آنچنان که هست در معرض افکار عمومی بگذارد و برای این منظور مجله «نوول آبزواتور» (۲)

فرانسه را پیشنهاد کردم. آقای خان پیرا در بدو امر با این نظر موافق نبود و اظهار ترس نمود، ولی پس از یک هفته تلفناً اطلاع داد که با مجله مذکور تماس گرفته و آنها با نهایت علاقه موافقت کرده‌اند که مطلب را منتشر نمایند.

آقای خان پیرا در همان هنگام با آقای «رژه دوبره» (۲) تماس گرفت و داستان را به او نیز گفت و از طریق این شخص، افراطی‌های ایرانی مقیم پاریس نیز مطلع شدند و براساس تحلیل‌های «مارکسیستی» خود به این و آن گفتند که:

«به هر وسیله که شده باید از انتشار این مطلب جلوگیری نمود زیرا که قطب زاده بزرگ می‌شود». اینگونه عکس العمل یعنی عدم توجه به افشای ماهیت رژیم و نگرانی از وضعیت مخالفین که با آنها هم عقیده نیستند از لحاظ اینجانب عجیب نبود زیرا که از چنین «علمی» جز این «تحلیل» بر نمی‌آید و به جز چنین عکس العملی انتظار نمی‌رود.

اما آنچه از لحاظ ما مهم بود و هست جنبه ضد رژیمی و افشای ماهیت آن از یک طرف و اهمیت بین‌المللی آن از طرف دیگر بوده است. جنبه بین‌المللی آن از آن جهت مهم است که تاکنون بارها مخالفان رژیم‌های دیکتاتوری در جهان کشته شده‌اند ولی تاکنون هیچگاه مدرک دقیقی که بتواند ثابت نماید فلان با بهمان رژیم دست اندرکار بوده است پیدا نشده و همیشه قضاوت افکار عمومی به حق بر روی قرائن و امکانات استوار بوده است. درست به همین جهت دولتهای دیکتاتوری با همدستی با دولتهای دیگر، خود را زیر لوای عدم وجود مدارک لازم پنهان کرده‌اند و همگان علم مبارزه با «تروریسم» را علیه مبارزات مستضعفین جهان برافراشته‌اند. حال برای اولین بار در تاریخ معاصر یک نقشه سوءقصد قبل از انجام آن با شاهد و اسلحه و مدارک کافی که توسط یکی از جنایت‌کارترین رژیم‌های موجود در جهان کشف گردیده و برملا می‌شود. باید توجه داشت که همیت واقعی مسئله در این جنبه آن است و بایستی برای مبارزان راستین مورد توجه عمیق قرار گیرد.

درست در این رابطه است که دکتر مصطفی چمران و اینجانب، پس از تعمیق بسیار و مشاوره با مبارزان راستین موافقت کردیم که مطالب مربوط به ترور ما در معرض افکار عمومی قرار گیرد والا دلیلی نداشت که پس از آنکه شش ماه از اطلاع ما از این مطلب می‌گذشت، آن را با عموم در میان گذاریم و منتشر سازیم. ما بیش از این نیز جلو رفتیم و نه

تنها به این موضوع توجه داشتیم که خدای ناکرده مسئله جنبه شخصی و فردی پیدا کند، بلکه به این موضوع نیز اندیشیدیم که مبدا که افشای این مطلب کس یا کسانی را که فعالیتی علیه رژیم ایران دارند بترساند و دست از فعالیت بردارند و در نتیجه وحشتی که ساواک موفق شده در درون افراد ایجاد نماید، بیشتر گردد. به طور خلاصه ما بر سر دوراهی قرار داشتیم و در انتخاب دو امر مختار بودیم: یکی شخصی شدن مسئله و ایجاد ترس از ساواک و دیگری افشای ماهیت رژیم ایران - افشای دورویی و حقه بازی دولتهای مختلف در بهانه «مبارزه با تروریسم» در سطح جهانی و ادامه روش رژیم ایران و همپالکیهای آن علیه مخالفین خود در سراسر جهان. با توجه به دو امر فوق، ما راه دوم را انتخاب کردیم. ما ابداً انتظار نداریم کسانی که از ذکر نام ما هراس دارند، نام ما را به زبان آورند بلکه همه مبارزین راستین باید توجه داشته باشند که از این مسئله برای افشای ماهیت رژیم ایران و سایر رژیمهای نظیر آن باید نهایت استفاده را بنمایند.

از لحاظ ما اهمیت افراد هیچگاه به انتشار نام آنها در این روزنامه یا آن تلویزیون و یا فلان رادیو نمی‌باشد. اهمیت افراد به مبارزه در راه حق، استقامت و تداوم و ابعاد و درجه فداکاری آنها در راهی که انتخاب نموده‌اند می‌باشد. چه که نامها و نشانها زود فراموش می‌شوند و حوادث نیز هیچگاه معطل نامها نخواهند گردید. مضافاً آنکه بسیار بوده‌اند کسانی که روز و روزگاری نامی و مقامی در میان مبارزان داشتند ولی خود را فروختند و امروزه جز نفرت عمومی برای آنها نیست و یا کسانی که فعالیتهای خود را به کناری گذاشتند و به کنجی خزیدند و اکنون هیچ نام و نشانی از آنها نیست.

مهمتر و بالاتر از همه، از لحاظ ما به عنوان مسلمان، بودن یا نبودن نام در دفاتر رسمی و غیررسمی به خوبی با بدی، ارزش چندانی ندارد، زیرا که یک مسلمان واقعی تلاش بر این دارد که نامش در دفتر الهی به خوبی ثبت ضبط گردد همین و بس. در آنجا که نیازی به رجوع به دفاتر رنگارنگ بشری نه بد و نه خوب آن نیست که در مرگ، کسی روزنامه، فیلم و یا نوار همراه نمیرد، که ارزش غائی و نهایی آنچه که مردم می‌نویسند به اندازه نویسندگان آنهاست که به هر تقدیر چه مثبت و چه منفی، محدود است به حد بشری. تلاش مسلمان واقعی نزدیکی به حد بینهایت است یعنی خالق متعال و در آنجاست که نظرات مردمان را راهی نیست و هم آنجاست که تحمل زجر و شکنجه دژخیمان، تهمت و افترای منافقان، سوءتفاهمات یاران، همگی در همواری راه سخت خدمت به خالق متعال و بالنتیجه به مردم، کمک می‌نماید و طی این مراحل است که مرگ را ارزش واقعی حیات ابدی می‌بخشد. «قل ان صلواتی و نسکی و محیائی و مماتی لله رب العالمین».

با توجه به چنین مفهومی است که از لحاظ ما «عمل» است که ارزش واقعی انسان را

تعیین می‌کند نه حرف چه از خود و چه از دیگران، چه مثبت و چه منفی. از این بحث که بگذریم توضیح چند نکته ضروری است» دلایل ذیل موجب شد که شک و تردید اولیه در مورد واقعیت داستان آقای خان پیرا از بین برود:

الف - از ماه ژوئن به بعد تلاش بر این داشتم که واقعیت امر را از داخل ایران تحقیق نمایم و اطلاعات رسیده جملگی یا بر صحت داستان گواه بود و یا هیچگونه تناقضی با آن نداشت.

ب - در مسافرت به آمریکا در ۳۰ اوت ۷۶ آقای «ریچارد کاتم» نویسنده کتاب «ناسیونالیسم در ایران» و استاد دانشگاه پیتزبورگ به من گفت که از یکی از همکاران سابق خود در وزارت خارجه آمریکا مطلع شده که رژیم ایران کسی یا کسانی را برای ترور مخالفین خود در خارج از کشور فرستاده است ایشان اضافه کرد که این مطلب را به مخالفان رژیم ایران در آمریکا و هم به روزنامه‌های مختلف در همان وقت اطلاع داده است. تاریخ این اطلاع درست مطابق بود با تاریخی که ساواک با آقای خان پیرا در تهران تماس گرفته بود.

توجه به این نکته مفید است که بدانیم نقشه تروری که شاه و نصیری تهیه کرده بودند و فقط توسط فیروزی نامی پیاده می‌شد، بلافاصله در اختیار وزارت خارجه آمریکا قرار گرفته بود.

ج - آقای خان پیرا با تمام اشکالات حقوقی و زندگی ناراحت و سختی که در گذشته داشته، بالاخره قبول نمود که اطلاعات خود را در معرض افکار عمومی جهان بگذارد و حقایق را همچنانکه اتفاق افتاده بود، بازگو نماید. ایشان نیز در وضع مالی بدی زندگی می‌کند و خود این امر در کنار دلایل دیگر حاکی از آن بود که به جایی بستگی ندارد. البته ایشان با پنجاه هزار فرانک پولی که ساواک برای مخارج اولیه در اختیارش گذاشته بود مدتی زندگی خود را اداره کرد.

نکته دیگری که ذکر آن در اینجا ضروری است آنکه نقشه ترورهای شاهانه به دکتر چمران و اینجانب خلاصه نمی‌شود و در آینده نیز قاعدتاً خلاصه نخواهد شد. مثلاً در مورد شخص آقای خان پیرا قرار بر این بود که بعد از تمام کردن کار اینجانب، سروقت آقای ناصر افشار برود. در این مورد خان پیرا اظهار می‌دارد که فیروزی گفت: «این شخص علیه شهبانو وقاحت زیاد می‌کند و باید او را از بین برد.»

با توجه به آنچه که گذشت، ذکر اصلاح سه نکته در مقاله گذشته پیام مجاهد ضروری به نظر می‌رسد. البته توجه به این مطلب هست که مدارکی که به دست برادران مسئول پیام مجاهد رسیده، به زبان فرانسه بوده و احتمالاً درست مفهوم واقع نگردیده است. در واقع

کوتاهی از طرف اینجانب بود که مطالب را قبلاً ترجمه نکرده بودم و بدینوسیله از همه خوانندگان و نیز مسئولین پیام مجاهد عذر می‌خواهم:

الف: نام شخص همانطور که در این نامه آمده است «یولیک خان پیرا» است.

ب: اینجانب هرگز وعده دفاع از جان او را ندادم. آنچه وعده دادم و انجام شده است آن بود که از دوستان حقوقدان خود بخواهم که به طور مجانی از حقوق این شخص در قبال پلیس فرانسه دفاع نمایند و غیر از این کار دیگری از اینجانب ساخته نبود و نیست که من حتی وسیله دفاع از جان خود را نیز ندارم.

ج: اینجانب هرگز به آقای خان پیرا توصیه نکردم که به پلیس فرانسه مراجعه کند که مرا کاری با پلیس فرانسه و با سایر پلیس‌ها نیست. آقای خان پیرا همانطور که رفت، بدون اطلاع اینجانب به اینکار دست زده است.

صادق قطب‌زاده

۱- آقای ژان کلود گیر مقاله‌ای در لوموند ۸ آوریل ۷۷ صفحه دو در همین زمینه نگاشته است.

۲- تاکنون روزنامه نوول آبواتورک در حقیقت قرار بود مقاله را در هفته اول ژانویه منعکس کند، انتشار نداده است و علت حقیقی آن نیز هنوز معلوم نیست.

۳- آقای رژی دوبره همسنگر فرانسوی چه گوارا در الویه بود که دستگیر و سپس آزاد گردید. ایشان نیز از جمله کسانی بودند که «تحلیل علمی» کرده بودند. منتهی در آن موقع از یکطرف به نوول آبزواتور می‌گفته است: «مقاله‌ات را بده در روزنامه خودم چاپ می‌کنم». در همان وقت هم اتفاقاً روزنامه ایشان که یکی دو شماره آن منتشر شده بود به علل اختلافات داخلی!! تعطیل گردید. پ.م.

نشریه شماره ۵۱ نهضت آزادی

ترجمه انگلیسی بیانیه سازمان مجاهدین
خلق ایران در پاسخ به اتهامات اخیر رژیم
چاپ شده است. برای تهیه کتاب مزبور با
دفتر پیام مجاهد مکاتبه کنید.

برادر هموطن

پیام مجاهد، در خدمت جنبش انقلابی خلق ما قرار دارد. پیام مجاهد، مبارزات حق طلبانه مردم ما را، صرف نظر از وابستگیهای فکری و عقیدتی منعکس می‌سازد. پیام مجاهد، به کمکهای فکری، قلمی و مالی شما نیازمند است. مقالات، اخبار، انتقادات و نظرات خود را به آدرس پیام مجاهد (با اسم مستعار) ارسال دارید. در بخش و توزیع پیام مجاهد به ما کمک کنید. کمکهای مالی خود را به صورت حواله بانکی و یا پستی در وجه پیام مجاهد ارسال دارید.

(امضای حواله مالی ممکن است با نام مستعار باشد.)

آدرس جدید پیام مجاهد:

PAYAME MUJAHID
P.O.BOX A
BELLVILLE, ILL. 62222 U.S.A

اعلامیه‌ای از ایران

متن زیر عین اعلامیه‌ای است که در ایران تهیه و به طور وسیع میان مردم پخش شده است. با آنکه مشخص نشده است که اعلامیه از جانب چه گروهی منتشر شده است ولی از آنجا که متن آن حاوی مطالب جالبی است اقدام به چاپ آن می‌شود.

انهم لهم المنصورون و ان جندنا لهم الغالبون بسم الله المهيمن
و ليتلطف ولا يشعرن بكم احداً. انهم ان يظهروا عليكم يرجموكم او يعيدوكم في ملتهم و
لن تفلحوا اذا ابدا. آیه ۱۹ و ۲۰ کهف

و بایستی که با نرمی و دقت (با رعایت عادی بودن و نکته سنجی) عمل کرد تا اینکه هیچگونه آگاهی (اطلاع و ردی) از هیچ کدامتان (به دشمن) نرسد. به درستی که از آنها شما را (در صورت لو رفتن) دستگیر کنند، سنگسارتان (شکنجه به قصد کشت) می‌نمایند یا اینکه دعوتتان می‌کنند به کیش آنها درآیید (با تطمیع و تهدید و یا با وعده مقام و پول شما را به سمت خود می‌کشانند). و به همین خاطر هرگز رستگاری نخواهید یافت.

چند نکته امنیتی در رابطه با توزیع و پخش اعلامیه:

در توزیع و مبادله هر نوع کتاب، اعلامیه و نشریه مخصوصا اعلامیه‌ها و نشریات سازمانهای چریکی تمام افراد مبارز و طرفدار جنبش مسلحانه اسلامی به همان اندازه باید احساس مسئولیت کنند که برای نگهداری و حفظ جان یک چریک و حیات جنبش و ادامه مبارزه احساس مسئولیت و وظیفه می‌کنند. هرگونه سهل انگاری و کوتاهی در این امر، گناهی است بس بزرگ.

پخش اعلامیه تنها بایستی به طریق غیرمستقیم صورت گیرد، زیرا طریق دادن مستقیم و بدون واسطه اغلب به جنبش، ضربه وارد کردن و صدمات شدیدی زنجیروار به افراد مختلف آمده است. برای نمونه مثالی می‌آوریم:

دانشجویی را در اعتصابات دستگیر می‌کنند. مامورین ساواک ضمن گشتن خانه اوکارین (کاغذ کپی) یک اعلامیه را پیدا می‌کنند. بعدا از شکنجه دانشجوی مذکور، وی اعتراف می‌کند که آنرا از شخص دیگری گرفته و نام او را لو می‌دهد. مأمورین او را نیز دستگیر می‌کنند و به همین ترتیب زنجیروار به تعداد زیادی از افراد مبارز کم‌تجربه می‌رسند که در حدود ۶۰ الی ۷۰ نفر می‌شده‌اند. در جریان این دستگیری ساواک از شهرستانهای مختلف افراد را پیدا می‌کند و این افراد دارای مشاغل مختلفی بوده‌اند. و یا اینکه یکی از گروههای مبارز متشکل از قریب ده نفر تکنسین و کمک خلبان هواپیمای فانتوم که در زندان به گروه فانتوم معروف گردیده‌اند از طریق مبادله یک کتاب غیرمجاز توسط برادر یکی از آنان که در دانشگاه تهران تحصیل می‌کرده به یک فرد مشکوک به‌طور مستقیم لو می‌رود و بدین ترتیب با دستگیری و شکنجه دانشجوی مزبور به برادر وی تکنسین تعمیراتی فانتوم می‌رسند و از این شخص بوجود سایر اعضاء گروه پی برده‌اند.

اگر می‌خواهیم به‌طور غیرمستقیم اعلامیه توزیع کنیم باید نکات زیر را رعایت نماییم:

۱- هدف از پخش غیرمستقیم این است که هیچگونه رد و نشانه‌ای از خود یا افراد توزیع کننده به دست پلیس نیافتد تا بر اثر دستگیری کسانی که اعلامیه به دستشان رسیده به فرد توزیع کننده سرایت نکند.

۲- بعد از پخش غیرمستقیم اعلامیه و نشریه هیچگونه نمودی مبنی بر اینکه اینکار از

طرف ما صورت گرفته نباید بروز داده شود.

۳- از انباشته کردن اعلامیه و وقفه در انتشار آنها جداً خوداری کرده و اعلامیه‌ها را در اولین موقعیت مناسب پخش کنید و قبل از اینکه موقعیت مناسب برای پخش آن فراهم شود آنها را در جاسازی مناسبی بگذارید که از دید پلیس مصون باشد.

× بعضی از راههایی که می‌توان به طور غیرمستقیم اعلامیه پخش نمود ذیلاً می‌آید:

۱- بوسیله پست اگر کم حجم باشد که شبیه نامه شود (بهتر است از پاکتهای تسلیت، تبریک و دعوت شرکتها و موسسات دولتی استفاده شود).

۲- بوسیله انداختن از بالای در و دیوار منازل.

۳- گذاشتن اعلامیه پشت در و زنگ زدن و دور شدن سریع از محل خانه.

۴- دادن به بچه‌های محل که به خانه فرد مورد نظرمان برسانند.

۵- انداختن در ماشین شخصی.

۶- بوسیله فرستادن کادو. ۷- در محل درس که در کتاب افراد گذاشته شود ۸- گذاشتن

در کتابها و جای مهریه‌های مساجد

۹- در رخت کنی کارخانه‌ها و یا جالباسی دانشگاهها ۱۰- در کلاسهای مدارس

(دبیرستانها، مدارس علمیه و دانشگاهها). ۱۱- در مستراح مدارس و کارخانه‌ها ۱۲- محل

اجتماع کارگران و دانشجویان مانند کتابخانه‌ها و نهار خوری و روی میز مطالعه کتابخانه-

های عمومی ۱۳- در مغازه‌ها و محل کسب مردم.

× نکات امنیتی که باید رعایت شود:

۱- در تمام موارد فوق نبایستی کسی ما را ببیند.

۲- محلی را که می‌خواهیم اعلامیه بگذاریم باید از قبل شناسایی کنیم تا مواقع خلوت آن را

به خوبی بدانیم.

۳- اصل عادی بودن را قبل از گذاشتن اعلامیه و بعد از آن کاملاً رعایت کنیم. ۴- بعد از

پخش اعلامیه خود را از محل دور کنیم ۵- سعی شود در پخش اعلامیه از روشهای مختلف

استفاده کرده و تنها به یک روش اکتفا نکنیم. ۶- در موقع توزیع اعلامیه‌ها آنها را در یک

استنار عادی (به وسیله‌ای آنها را بپوشانیم مانند: مثلاً قرار دادن آنها در کارتن کفش ، به

بازار همراه مقداری مواد غذایی) حمل کنیم.

والسلام علی من اتبع الهدی

تو مجاهد

تو که با خنجر خویش، قلب دشمن بدریدی،
تو مجاهد، تو شهید!
تو عزیز من و ما
دشمن دشمن خلق دنیا
جای هر قطره خونت که چکید
خلق رزمنده ای از جا برخاست
خلقی از ایده تو، راه خدا، دشمن جور
خلق جانباز شریفی که ترا کرد الگو،
پای جای قدم غرقه به خونت بگذاشت
قدمی گرچه به زنجیر، ولی پابرجا
استوار از تصمیم، بی تزلزل چون کوه
تو مجاهد، تو شهید
تو عزیز من و ما
خسته از زخم «رفیق»،
بسته بند «رژیم»،
تو به سرداری، صداها سامان
تو که یک رنگی و باقی نیرنگ
تو همه «دادی» و جمعی «بیداد»
بر تر از اینهمه ها:
مؤمنی همچو «محمد» به «کتاب» به «حدید»
با شهادت چو «علی»
تو صبوری چو «حسن»
راسخی همچو «حسین»
تو مبارز پی گیر
و شجاعی چون شیر.
ما همه می دانیم: که تو با دادن «سر»
می دهی جمله جهان را «سامان»

همه ما می دانیم که: تو با یکرنگیت
می زدایی همه نیرنگ جهان
ما همه می دانیم: که تو با «دادگری»
خشک سازی بن بیداد گران
تو مجاهد - تو شهید
تو عزیز من و ما،
خون تو مشعل راه من و ماست
با تو پیمان بستم
که تو را پیرو صالح باشیم
جانت ار از غم دشمن بیمار
یا سرت شد بر «دار»!
راه تو پابرجاست،
قبضه اسلحه‌ات را همه یاران خواهان
ما همه تشنه که بوسیم آن را
بنهیمش بر چشم - بفشریمش در مشت
سرب داغش بنشانیم به قلب دشمن
با تو پیمان بندیم:
«نگذاریم زمین اسلحه هامان هرگز»

تو مجاهد - تو شهید
تو عزیز من و ما
غرقه در خون ز حریف:
تو نه تنهایی از این پس نه حزین
ما همه با تو به دنبال تویم،
با خروش خلقی، که نویدی است به پیروزی ما
نغمه دلکش بهروزی ماست.
ما همه با تو به دنبال تویم
تو مجاهد - تو شهید
تو عزیز من و ما
دل قوی دار نه تنهایی از این پس نه حزین

شورش خلق ستمدیده نگهبان تو است
خنجرت دست به دست، بین ما می‌گردد
خون تو مشعل راه همگان
و قیام تو به ما داد پیام:
«نگذارید زمین اسلحه هاتان هرگز»

پیک رفته است ولی پیغامش
همچنان پابرجاست،
خنجرش دست همه خلق ستمدیده ماست.

از: زینب
نقل قول از مادر مجاهد رضایی

اخبار

جان ۶ مبارز در خطر مرگ

طبق منابع دولتی ۶ نفر از مبارزین به اتهام جعلی قتل آیت الله شمس آبادی در بیدادگاههای رژیم محکوم به مرگ و یک نفر به ۱۵ سال زندان محکوم شده‌اند. (در مورد شهادت مرموز آیت‌الله شمس‌آبادی به پیام مجاهد شماره ۴۰ مراجعه کنید) این افراد عبارتند از: مهدی هاشمی رهبر گروه، محمدحسین جعفرزاده دانشجوی سال دوم زمین‌شناسی دانشگاه اصفهان، اسدالله شفیع‌زاده، حسین مرادی، عباسعلی رحیمی و امیرقلی حمزه‌زاده محکوم به مرگ و محمود ایمانیان محکوم به ۱۵ سال زندان، گفته می‌شود که مبارزین نامبرده از گروه «الله اکبر» می‌باشند.

طبق اخبار واصله، وصیت نامه مجاهد شهید حسن آلاپوش در ایران پخش شده که مفاد آن دلالت بر همکاری این مجاهد با مجاهدین اصیل دارد. لذا ادعای منافقین دال بر همکاری حسن با ایشان بی‌اساس شناخته شده است زهی سعادت و خوشبختی!

آزادی دکتر عباس شیبانی

دکتر عباس شیبانی، مبارز اصیل و راستین و فرزند نستوه خلق ایران، از زندان رژیم

آزاد و به زندان بزرگتری به نام «جزیره آرامش» منتقل شده است! طبق اخبار واصله دکتر شیبانی را مدتها تحت فشار قرار داده بودند تا حاضر به سازش با دولت شده در مصاحبه تلویزیونی شرکت کند. این مبارز اصیل همچنان به عهد خود با خدا و مردم پابرجا مانده و قبول خفت نمی‌کند. به هر حال دولت که براساس فشار مبارزین خارج از کشور مشغول مانورهایی جهت خودنمایی است، او را آزاد می‌کند. خبری از زندانهای شاه

بر طبق گزارش ما در یکی از مبارزین اسیر، وضع زندان کمیته قدری تغییر یافته است. کف اتاقها اخیراً با موکت فرش شده و در شک طاهری زندان تغییراتی صورت پذیرفته است. وسایل شکنجه را به کلی از زندان کمیته به محل دیگری انتقال داده‌اند. گفته می‌شود که بر اثر تبلیغات مبارزین خارج از کشور، شاه سخت به تکاپو افتاده است که یک «زندان نمونه» بسازد! و ادعا نماید که به هیچوجه شکنجه در زندانهای او اعمال نمی‌گردد. و البته به عنوان شاهد می‌تواند زندان کمیته را به خبرنگاران و وکلای جهان نشان دهد!! وقاحت که از حد گذشت، حاصلی جز این نخواهد داشت.

شهادت در حین درگیری

۱- دوشیزه لیلا زمردیان خواهر مجاهد اسیر، علیرضا زمردیان که از سال ۵۱، یک سال پس از دستگیری برادرش مخفی شده بود در یک درگیری خیابانی در اسفند ماه ۵۵ به شهادت رسیده است.

۲- مجاهد محمد قائمی که پنج سال پیش توسط رژیم خونخوار پهلوی اسیر شده بود و بعد از آزادی، مبارزه بی‌امان خود را علیه دشمن با انتخاب زندگی مخفی ادامه داده بود، در فروردین ماه ۵۶ حوالی سرچشمه پس از درگیری با پلیس به شهادت می‌رسد. روزنامه‌های رژیم در اعلان این خبر نام او را علی اکبر قائمی ذکر کرده بودند.
(کیهان هوایی ۱۰ فروردین ۵۶)

۳- مجاهد رزمنده محبوبه متحدین، همسر مجاهد شهید حسن آلاپوش و خواهر مجاهد اسیر سعید متحدین در یک زدو خورد خیابانی شهید گردیده است. به قرار اطلاع نامبرده که از اعضاء اصیل مجاهدین مسلمان بوده، رهبری ۱۵ نفر از مجاهدین زن را به عهده داشته است.

۴- طبق اخبار واصله از روزنامه‌های رژیم (کیهان هوایی ۷ اردیبهشت ۵۶) یک انقلابی به نام علی اکبر جباری در حین مصادره یکی از شعب بانک صادرات تبریز با پلیس درگیر شده، شهید می‌گردد. در این عملیات مجموعاً سه مبارز شرکت داشته‌اند که دو نفر دیگر

بدون گذاشتن هیچ اثری موفق به فرار می‌شوند. از جزییات این واقعه خبر موثقی در دست نیست.

۵- در درگیری دیگری در منطقه نارمک بین مزدوران شاه و چهار انقلابی (سه زن و یک مرد) رخ می‌دهد، هر چهار انقلابی به شهادت می‌رسند. کیهان هوایی ۲۴ فروردین ۵۶ - زنان را سیمین و نسرین پنجه شاهی و غزال آیتی معرفی می‌کند. از هویت انقلابی چهارم (مرد) اطلاعی در دست نیست.

روز چهارشنبه ۳ فروردین ۵۶ زنان مسلمان در مقابل مجلس شورای ملی بر علیه جنایات رژیم در زندان تظاهرات به راه انداخته و شدیداً به وضع فجیع درون زندانها اعتراض کرده‌اند. به قرار اطلاع عده‌ای دستگیر شده‌اند ولی از تعداد آنان اطلاع دقیقی در دست نیست.

شهادت دو انقلابی

روز ۶ بهمن ۱۳۵۵ دو نفر به نامهای محسن صفائی و حسین گودرزی که از اعضای یک گروه اسلامی بوده‌اند در یک زد و خورد به شهادت رسیده‌اند. در این برخورد مجاهدین نامبرده موفق می‌شوند که عده‌ای از عمال پلیس را معدوم سازند.

اخبار دانشجویی : اوایل اردیبهشت ماه ۵۶ دانشجویان پلی تکنیک تهران خود را جهت بزرگداشت سالگرد شهادت ۹ نفر مبارزینی که رژیم مدعی بود که آنها را در حین فرار مورد اصابت گلوله قرار داده است، آماده می‌کردند که تحت یورش وحشیانه پلیس قرار گرفته و عده‌ای مصدوم می‌شوند.

در این جریان پلیس به بخش مهندسی برق حمله کرد و خساراتی نیز وارد آورد. رییس شعبه مهندسی برق برای اعتراض به اعمال وحشیانه پلیس از پست خود استعفا داد.

درگیری انقلابیون:

در اردیبهشت ماه ۵۶ درگیری سختی در چهار راه آشیخ هادی نزدیک خیابان فرانسه بین انقلابیون و مأمورین کثیف شاه در می‌گیرد که مجموعاً حدود ۲۵ نفر از طرفین کشته می‌شوند در این درگیری پلیس تمام خیابانهای متصل به این ناحیه را برای مدت مدیدی بسته بود. فردی که به خاطر بسته شدن خیابان مدتی در تاکسی مانده بود می‌گفت حدود ۲ ساعت صدای تیراندازی را می‌شنیده است.

طبق گزارش رسیده از ایران برای ما زدو خورد در اثر حمله مبارزین به یکی از شعب

ساواک که در آن حوالی قرار داشته است اتفاق افتاده است. و این نشانه رشد و تکامل انقلاب مسلحانه است و اینکه مبارزین از حالت دفاعی خارج شده و مستقیماً به لانه‌های فساد رژیم حمله می‌کنند.

روزنامه‌های رژیم (کیهان هوایی ۲۸ اردیبهشت) در مورد این حادثه چنین نوشتند که: مبارزین قصد ورود به ساختمانی را داشتند که مورد حمله پلیس واقع شدند ولی از ذکر نام ساختمان خودداری کرده‌اند.

روزی نامه‌ها از دو مبارز که بادعای آنها در این درگیری کشته شده‌اند به نام منصور سلطان‌زاده و محمدعلی سوره‌ای نام برده‌اند ولی از تعداد نابودشدگان پلیس زکری نرفته است.

عصر سه شنبه ۲۷ اردیبهشت ماه ۵۶ در زمین‌های پشت مجلس شورا درگیری سختی بین نیروهای انقلابی و پلیس اتفاق می‌افتد. این زمینها مدتی است برای «انجمن توان بخشی» خریداری شده است ولی طبق شایعات، این ناحیه جهت امنیت ساختمانهای مجلس و تالار جدید مجلس خریداری شده است تا اینکه مردم نتوانند به نمایندگان واقعی خود!! نزدیک شده و چه بسا به آنها آسیب برسانند. طبق گفته شاهد واقعه ماشینهای کمپته که ولو سبز رنگ با چهار سرنشین هستند در حوالی عصر به تعداد زیاد در محل زدوخورد حاضر شده اندکی بعد صدای تیراندازی شنیده می‌شود.

در این حادثه رییس کلانتری محل هدایت عملیات پلیس را به عهده داشته است بدین صورت که با بلندگو به پاسبانها فرمان می‌داده که جلوتر بروید و بکشید و جالب این بوده که وقتی مردک در بلندگو صدا می‌کرده مردم شروع به هو کشیدن می‌کردند. این هم رهبری فرمانده عملیات پلیس!

اواخر فروردین ماه کنفرانسی درباره انتقال تکنولوژی هسته‌ای در شیراز بود. در صبح افتتاح این کنفرانس هویدا اعلام کرد که مشغول سرکشی به مناطق زلزله زده است و نمی‌تواند تمام روز در کنفرانس شرکت کند. شب همانروز هویدا پس از یک ضیافت پر خرج عرق خوری مفصلی نیز راه انداخت تا درجه همدردی خود را به ملت فقیر ایران نشان دهد! روز بعد از مهمانی ۵۰ نفر در اثر مسمومیت از غذای فاسد به بیمارستان منتقل شدند.

چگونگی دستیگری آقایان روحانیون

پس از ماجرای جناح مارکسیست سازمان مجاهدین و تصفیه دامنه داری که به عمل آمد و شهید شدن اعضای برجسته‌ای چون شریف واقفی، اعضای سازمان اقدام به ترور مرتضی صمدیه لباف می‌نمایند. وی با وجودی که اسلحه سازمانیش را تحویل داده بود ولی به علت

احساس خطر، اسلحه دیگری تهیه کرده و همراه داشت. در جریان سوءقصد و تیراندازی متقابل، با اینکه دشمنان را وادار به فرار می‌کند ولی خود از ناحیه فک مجروح شده اجباراً به درمانگاهی مراجعه می‌کند که آنها نیز او را به مقامات پلیس و ساواک تحویل می‌دهند. او کلاً جریان کودتا را برای پلیس شرح می‌دهد و درخواست می‌کند که اگر اسلحه در اختیار او بگذارند، خودش با آنها مقابله خواهد کرد. مرتضی به قصد رهایی از چنگ پلیس و پلیس به طمع پیگیری مرتضی و به دام انداختن سایرین با این پیشنهاد موافقت می‌کنند. ولی در همان روز که مقدمات این برنامه چیده می‌شد، وحید افراخته و محسن خاموشی و چند تن دیگر از گروه آنان دستگیر می‌شوند. وحید و محسن در همان شب اول بازجویی کلیه اطلاعات خود را در اختیار پلیس می‌گذارند که بلافاصله پلیس متوجه نظر مرتضی شده، او را به زیر شکنجه می‌کشاند...

آنچه که در اینجا مورد تعجب می‌باشد این است که وحید افراخته ظاهراً بدون اینکه مورد سؤال مستقیم واقع شود، ارتباط سازمان را با آیت الله طالقانی، آقای هاشمی رفسنجانی و آقای لاهوتی و مهدی بازگو می‌کند - هدف وحید وارد ساختن ضربه به پایگاه نیروی اسلامی و از بین بردن امکانات آنان بوده است - زیرا در گذشته سابقه نداشته است که این چنین به سادگی و در همان ساعات اول بازجویی، مجاهدین؟! اطلاعات خود را در اختیار پلیس قرار دهند پس از مراجعت آقای هاشمی رفسنجانی از مسافرت خارج، پلیس بلافاصله اقدام به دستگیری و شکنجه آقایان نمود. از جمله با استفاده از کودتای سازمان آقایان مهدوی و لاهوتی را شکنجه روانی می‌دادند.

برخوردی دردناک:

ساواک برای اینکه توطئه خود را کامل کند، وحید افراخته و محسن خاموشی را با آیت الله طالقانی روبرو می‌کند تا وحید اعترافات خود را مبنی بر کمک مالی ایشان به سازمان مجاهدین، بازگو کند. در این برخورد وحید برخلاف اصول انسانی و رعایت شرایط سنی و حال مزاجی آقای طالقانی، از بیان هیچ ناروایی خودداری نمی‌کند و قلب انسانی را که عمری



در خدمت مردم بوده است و با وجود کهولت و مریضی هرگز در مقابل دشمن زانو نزده و سرسختانه ایستادگی نموده است، جریحه‌دار می‌نماید. آقای طالقانی از محسن سؤال می‌کنند: «تو چرا با وجود اصالت خانوادگی به خدا و مکتب اسلام پشت کردی؟» محسن می‌گوید برای اینکه شما ما را تنها گذاردی و ایشان در جواب می‌گویند اگر ما شما را تنها گذاشته بودیم، اکنون اینجا نبودیم - در اینجا محسن سرش را به زیر

می‌اندازد و آقای طالقانی شروع به نصیحت محسن می‌نمایند که خوشبختانه او را معتدل می‌سازد و با ابراز ندامت از آقا سؤال می‌کند: «اگر من توبه کنم و کشته شوم شهید خواهم بود؟» و ایشان چنین به او امیدواری می‌دهند. کسانی که روزهای آخر زندگی محسن با او بودند تحت تأثیر توجه به خدا و عبادات او قرار داشتند.

جریان ترورهای مجاهدین

در جریان کودتایی که در سازمان مجاهدین شده است بین ۸ تا ۲۵ نفر ترور شده‌اند. صرفنظر از شریف واقعی - آقای جعفری که در خیابان بوذرجمه‌وری رنگ فروشی داشته است نیز جزو ترورشدهگان است. این شخص مغازه رنگ فروشی و همه دارایی خود را می‌فروشد و تمام آن را که بالغ بر ۴۰۰ هزار تومان بوده است به سازمان مجاهدین تحویل می‌دهد و خود نیز به سازمان می‌پیوندد. پس از مدتی فعالیت و شرکت در چند عملیات سازمانی، هنگامی که تغییر مواضع ایدئولوژیک سازمان برایش روشن می‌شود، می‌گوید که من آماده ادامه همکاری نیستم و چون به علت شرکت در عملیات و فراری بودن نمی‌توانم در ایران بمانم، شما پنجاه هزار تومان بمن بدهید که بخارج بروم... پس از مدتی معطلی با پیشنهاد او موافقت می‌شود و پس از آماده ساختن گذرنامه، او را در راه بردن به فرودگاه می‌کشند.

بعدها احمد احمد یکی دیگر از قربانیان منافقین، گذرنامه آقای جعفری را در بین مدارک سازمان می‌بیند و جریان را سؤال می‌کند که به او می‌گویند تو با این حرفها کاری نداشته باش. با اعترافی که افراد دستگیر شده کرده‌اند، جنازه آقای جعفری به دست ساواک افتاده است.

لازم به توضیح است که احمد احمد یکی از اعضای اصلی گروه حزب ملل اسلامی بوده است که در سال ۴۴ دستگیر و به چهار سال زندان محکوم گردید. وی پس از آزادی در سال ۴۸ به سازمان مجاهدین خلق پیوست و به مبارزه و جهاد مسلحانه و پیوندش با خلق ادامه داد.

روزنامه‌های رژیم (کیهان ۱۸ اسفند ۵۵) گزارش دادند که احمد احمد را در یک درگیری دستگیر کرده‌اند ولی اخبار موثق از داخل کشور حاکی است که احمد در یک درگیری خیابانی ۹ ماه قبل از تاریخی که رژیم مدعی است، دستگیر شده است. وی فعلاً با عصایی به زیر بغل در زندان اوین به سر می‌برد.

به طور کلی این سیاست معمول رژیم منفور پهلوی است که اخبار مبارزین را مخفی نگاه دارد تا شاید از این طریق بتواند از گسترش فعالیت‌های حق‌طلبانه رزمندگان راه حق

جلوگیری به عمل آورد ولی غافل از آن است که:

«یریدون لیطفئوا نورالله بافواهمم والله متم نوره ولو کره الکافرون»

قرآن کریم، سوره صف، آیه ۹

تعداد زندانیان

در ساختمانهای جدید اوین چهار بند وجود دارد. بند یک شامل دو طبقه که در طبقه بالا جمعاً حدود سی نفر از: علما، افراد گروه رهایی بخش تأتر و تلویزیون و پاک نژاد و در طبقه پایین ۸۵ دانشجوی که در ۱۶ آذر اخیر دستگیر شده‌اند، زندانی می‌باشند. بند دو در دو طبقه جمعاً ۲۲۵ نفر را شامل است و بندهای سه و چهار مجموعاً ۱۰۰ نفر.

در زندان کمیته حدود ۳۰۰ نفر، در زندان قصر ۱۷۰۰ نفر (در بند سه و چهار و نیز زندان شماره ۱ با هفت بند) محبوسند. زندانهای شیراز، مشهد، اصفهان، کمال آباد کرج، تبریز، یزد، ساری، کرمان و... حساب جداگانه‌ای دارند.

رفیقه شاه را کشتند

بر طبق گزارش روزنامه شیکاگو - ان تایمز، ساندررا کلمنت معروف به کریستا هلمز ۲۷ ساله در روز ۱۲ فوریه ۱۹۷۷ با چاقو کشته شد. حمله‌کنندگان بعد از کشتن او دفترچه خاطرات عشقی‌اش را که در کیف دستی او بوده است ربوده‌اند به موجب همین منابع خبری کریستا هلمز در دفترچه خاطرات خود روابط خود را با اشخاص مختلف شرح داده است. از جمله اشخاصی که با او در رابطه بوده‌اند و شرح آن در دفترچه خاطرات آمده بوده است شرح روابط کریستا هلمز با شاه ایران می‌باشد.

مدتی است ناحیه ژاله - امیریه از طرف مأمورین کمیته ناحیه خطر اعلام شده است. در آنجا هر که را مشکوک باشند به سادگی می‌کشند. چندی پیش یک خانم عضو جلسات اسلامی بانوان را در خیابان امیریه بازداشت می‌کنند و او را تهدید می‌کنند که باید هر چه در دست دارد به زمین بگذارد. پلیس بی‌شرم در ملاء عام شروع به بازرسی بدنی کرده و پس از اطمینان از نداشتن کتب ضاله! و اسلحه او را آزاد می‌کنند. زهی وقاحت!

بخش مهندسی شیمی دانشگاه شیراز برای ترم تحصیلی بهار جاری منحل شد. این به خاطر زدوخوردهایی بوده است که در ترم گذشته و ادامه آن در این ترم راجع به پشتیبانی و کمک پلیس و ساواک به ایجاد محیطهای ناسالم و روابط غیرصحیح پسر و دختر در این دانشگاه بوجود آمده است.

مدرسه عالی ورزش برای همیشه منحل شد علت انحلال دخالت شدید پلیس و زدو خورد در آن بوده است ولی از علت زدو خورد اطلاع دقیقی در دست نیست.

در دو ماه گذشته به دنبال دستگیری گروهی از طلاب حوزه علمیه قم که تعداد آنها بالغ بر ده نفر گردیده و عده‌ای نیز الزاما مخفی شده‌اند. جسد یکی از طلاب جوان و مبارز به نام آقای سید احمد کاشانچی در حالی که با طناب محکمی حلق آویز شده بود، در خانه اجاره‌ای خود در قم پیدا شد و این اتفاق هنگامی رخ داده بود که همسر این جوان مبارز در منزل نبوده است.

روزنامه‌های رژیم بدون آنکه اسمی از شغل و محل اقامت این طلبه مبارز ببرند، در دو سطر کوتاه اعلام کردند که «جوانی در خانه خود در قم خودکشی کرد»!!!...

در حوزه علمیه قم، این جنایت را با دستگیری عده‌ای از طلاب مبارز مرتبط می‌دانند... به دنبال لغو امتیاز محله ماهانه مکتب اسلام پاره‌ای از کتابهای اسلامی از کتابفروشیهای تهران و شهرستانها جمع آوری گردید. تعدادی از این کتابها به نامهای: اسلام مذهب رسمی ما، زندگی امام رضا(ع)، زیر بنای صلح جهانی، ابوذر غفاری از انتشارات «دفتر نشر فرهنگ اسلامی» بوده است.

جالب آنکه همه این کتابها پس از کسب اجازه نشر از کتابخانه ملی، منتشر شده بودند ولی توسط ساواک جمع آوری گشته‌اند.

کتاب «انسان، اسلام و مارکسیسم» که خلاصه‌ای از یک کتاب علمی و تحلیلی استاد بزرگوار آقای دکتر علی شریعتی بوده و اخیراً از طرف یکی از مؤسسه‌های نشر قم به شکل رساله‌ای منتشر شده بود، از طرف رژیم جمع آوری گردید. این همان کتابی است که خود رژیم قبلاً به خاطر اهداف شیطنانی خویش در روزنامه کیهان چاپ کرده بود.

این کتاب به بررسی علمی و تحقیقی اسلام و مارکسیسم پرداخته و در واقع یک بحث صرفاً فکری و ایدئولوژیک بوده که تضادهای بنیادی این دو مکتب را نشان می‌دهد...

اداره نگارش و کتابخانه ملی به کتابهای آقای دکتر شریعتی اجازه نشر نمی‌دهد و همچنین کتابهای آیت الله طالقانی، آقای مهندس بازرگان نیز مطلقاً ممنوعه اعلام شده‌اند.

گروهی از طلاب مجاهد حوزه علمیه قم که به تکثیر و نشر کتابهای سازمان مجاهدین خلق ایران می‌پرداختند مورد تعقیب ساواک قرار گرفته و عده‌ای از آنها دستگیر شده‌اند که از سرنوشت هیچکدام از آنها اطلاع صحیحی در دست نیست...

این اقدام نشان دهنده توافق عملی ساواک با گروه منافقین ضدانقلاب است که هر دو می‌کوشند صدای مجاهدین مسلمان خلق ما را خاموش سازند...

نگ و نفرت بر منافقین و بر همکاران ساواکی آنها...

نامه‌ای از زندان

متن زیر پیغامی است که از زندانهای قرون وسطائی شاه به دست ما رسیده است. علیرغم همه تظاهرات و دروغ‌پردازی‌های رژیم خائن ایران راجع به عدم وجود زندانیان سیاسی و شکنجه در کشتارگاههای این ضحاک خون آشام، مشاهده می‌کنید که وضع زندانیان در ایران روز به روز وخیم‌تر و فشار و اختناق بر جان مسلمانان حتی در سلولهای تنگ و تاریک بیشتر می‌گردد. این برادران مجاهد و از جان گذشته ما نسبت به آنها که خارج از کشورند و از آزادی و امنیت سرشار برخوردارند، سخت اعتراض دارند و خواستارند که ندایشان را به گوش جهانیان برسانیم و در راه آزادیشان از زندانها و شکنجه گاههای فرعونى شاه، با عملی مثبت و شایسته اقدام کنیم. ما در اینجا عین نامه‌ای را که از اخبار این زندانیان رسیده است با مختصری تصحیح انشایی می‌آوریم: روز وفات رسول اکرم که مصادف با شهادت امام دوم شیعیان امام حسن مجتبی بوده (روز ۵شنبه ۲۸ صفر ۱۳۹۷ برابر با ۲۸ بهمن ۱۳۵۵ و ۱۷ فوریه ۷۷) در زندان قصر جوانان مسلمان مراسمی داشتند و مأموران زندان برای برهم زدن مراسم آنها عده زیادی را به شدت کتک زده و مجروح می‌کنند به طوری که عده‌ای از جوانان فکهایشان شکسته و بعضی دست و پا شکسته و عده‌ای پاهایشان به خصوص کف پایشان به طوری مجروح شده که بیمارستان زندان مجبور شده از پوست و گوشت ران آنها برای ترمیم زخمهای پا استفاده کند، این زخمهای پا بیشتر وقتی ایجاد شده که جوانان در حال نماز بوده‌اند و آنها را با میله داغ و آبجوش سوزانده‌اند و بعد این جراحات و سوختگی را به وسیله گوشت و پوست سایر اعضا ترمیم می‌کنند و همچنین در جریان آن زدو خورد چندین نفر از جوانان را مدت ۲۴ ساعت و بعضی را ۴۸ ساعت از پا آویخته و سروته نگه داشته‌اند که در حال حاضر که روز (۱۱ اسفند، ۱۱ ربیع الاول و ۲ مارچ) است وضع جسمی این جوانان وخیم و در حال مرگ هستند و کسانی که نسبت به اینها وضع بهتری دارند دچار ضعف شدید و در بستر هستند و در موقع ملاقات بستگانشان گفته‌اند که فرزندان شما امتحان دارند و نمی‌تواند با شما ملاقات کنند و خانواده‌ها نگران و حیرت زده که، چه امتحانی آنها که برنامه‌ای ندارند و گریان و نگران محل زندان را ترک کرده‌اند و طبق منبع همین اخبار مدتهاست که اجازه خواندن و به جا آوردن فریضه نماز به آنها داده نمی‌شود و اگر کسی نماز بخواند پاها و دستها و یا سایر اعضا بدنش سوزانده می‌شود.

گویا قرار است که هیئتی برای بازرسی از وضع کمیته و زندانیان به ایران بیاید که

مأموران مدتی است در صدد ترمیم وضع کمیته برآمده‌اند و کف سالن را موکت کرده‌اند و خلاصه وضع ظاهری آنجا را تا حدودی ترمیم کرده‌اند» اینکه گفته شده شکنجه قطع شده می‌بینید که فقط حرف است و وضع جوانان به خصوص در سلولها و دخمه‌های قصر خیلی ناراحت کننده و رقت بار است و طبق خبری که خود زندانیان از قصر داده‌اند جان اکثریت جوانان و به طور کلی محبوسین در بندهای مختلف قصر در خطر جدی است و طبق گفته خانواده‌هایشان امید نیست که این جوانان مسلمان در بند قصر، زنده از زندان بیرون آیند. آنها با فرستادن پیام پرسیده‌اند که چرا شما سکوت کرده‌اید و کاری نمی‌کنید مگر نمی‌دانید که این جوانها، مسلمانان واقعی هستند و به خاطر نجات اسلام جهاد می‌کنند، آیا پیام حق را فراموش کرده‌اید؟

عوارض ناشی از بی‌بندوباری تکنولوژی

ASAHI روزنامه معروف صبح ژاپنی در شماره هفتم فوریه ۱۹۷۷ تحت عنوان «تحریم تکنولوژی برای ایران» چنین می‌نویسد: موافقت نامه دوجانبه‌ای بین دولت ایران و ژاپن به منظور مبادله تکنولوژی و خاک برای تأسیس و ساختمان یک مجموعه الکترودینامیک به امضاء رسیده است. این توافق قبل از شناخت اثرات مرگ‌آور زوائد طرح و آلودگی محیط به امضاء رسیده بود و پس از کشف عوارض حاصل از تخلیه سموم کارخانه در دریا توسط ژاپن، دولت ژاپن اجرای هر نوع طرحی را با این متد ممنوع می‌کند. ساختمان پروژه مذکور در مارچ ۱۹۷۷ علیرغم اخطار دولت ژاپن و تشریح اثرات مرگ‌آور سمی زوائد کارخانه در محیط زیست، در یکی از بنادر خلیج فارس آغاز خواهد شد. و تا سال ۸۳ آماده بهره برداری می‌شود. نظر به اینکه دولت ژاپن ۶ سال قبل با چنین خطری مواجه بوده و عده زیادی کشته و بیمار شده‌اند بنابراین این به دولت ایران هشدار می‌دهد. مواد شیمیایی مذکور نوعی از ترکیبات جیوه است که از تولیدات شیمیایی حاصل می‌شود که در تبدیل گاز به مواد شیمیایی مایع مورد استفاده قرار می‌گیرد. این جیوه از طریق دریا و پروتید دریایی وارد سیکل غذایی شده در شهر هیناماتا و خلیج جوکوگاما مورد مصرف اهالی قرار گرفت. مردم به سرعت به بیماریهای دماغی (نوع جنون) دچار شده و عده‌ای کشته می‌شوند.

برای مثال تخم مرغ حاصل از مرغداریهایی که برای تغذیه مرغها از پودر پروتید سفید

(ماهی) استفاده می‌کردند شدیداً سمی شده و اکثر کسانی که از تخم مرغها استفاده کردند پس از چندی از بیماری مردند.

در این پروژه ایران و ژاپن ۳۷ بلیون دلار به نسبت ۵۰ - ۵۰ سرمایه گذاری کرده‌اند. از ژاپن شرکت توسعه شیمی و از ایران شرکت ملی نفت.